

چند اساسنامه،
در باره اتحادیه های کارگری،
شوراهای کارگران،
قطعنامه ها و مصوبات دیگر
از قطعنامه ها و تصمیمات حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه

* بازنویس: حجت برزگر

* تاریخ انتشار: ۱۳۸۷/۱۱/۰۴ (۲۳/۰۱/۲۰۰۹ میلادی)

* آدرس تماس با اتحادیه مارکسیستها از طریق پست الکترونیکی:

melh9000@tele2.se ، melh9000@comhem.se و melh9000@yahoo.com

* توضیح

بخشهایی که با ... مشخص شده است، توسط مترجم انگلیسی حذف شد. مطالبی که در داخل () آمده، بیرون از متن اصلی و از کمیته ترجمه است و بخشهایی که با (...) مشخص شده است، بمعنی قطع توضیحات مترجم و کمیته ترجمه توسط حجت برزگر است.

فهرست

صفحه

عنوان

* پیش نویس اساسنامه تشکیلاتی ح. ک. س. د. ر

۵

پیشنهاد شده به کنگره توسط لنین

• بخشی از قطعنامه ها و تصمیمات حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه

* کنگره اول ۱-۳ مارس ۱۸۹۸

۷

۱- مانیفست حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه

۲- تصمیمات کنگره

۱۴

* کنگره دوم ۱۷ ژوئیه - ۱۰ اوت ۱۹۰۳

۳- برنامه حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه

- ۱۵- در باره روش برخورد به دانشجویان
- ۲۶ * کنگره سوم ۲۷-۱۲ آوریل ۱۹۰۵
- ۱۶- اساسنامه حزب
- ۲۸ * کنگره چهارم (کنگره وحدت) ۲۵-۱۰ آوریل ۱۹۰۶
- ۵۰- اساسنامه تشکیلاتی
- ۵۷- درباره اتحادیه های کارگری
- ۳۲ * کنگره پنجم (کنگره لندن) ۳۰ آوریل - ۱۹ مه ۱۹۰۷
- ۶۲- اساسنامه تشکیلاتی
- ۶۳- درباره روش برخورد به احزاب غیر پرولتری
- ۶۴- درباره کنگره کارگران و سازمانهای کارگری غیرحزبی
- ۶۸- درباره اتحادیه های کارگری
- ۳۸ * کمیته مرکزی در باره فعالیتهای علنی فوریه ۱۹۰۸
- ۷۳- درباره اتحادیه های کارگری
- ۷۴- ((درباره تعاونیها))
- ۴۳ * کنفرانس سراسری پنجم حزب ۲۷-۲۱ دسامبر ۱۹۰۸
- ۷۶- در باره وظایف حزب در لحظه کنونی
- ۷۸- درباره کار کمیته مرکزی
- ۷۹- درباره مساله تشکیلاتی
- ۸۰- درباره متحد ساختن سازمانهای ملی در سطح محلی
- ۴۷ * کنفرانس ششم ((کنفرانس پراگ)) ۱۷-۵ ژانویه ۱۹۱۲
- ۹۴- تغییرات در اساسنامه تشکیلاتی حزب
- ۹۷- درباره خصلت و اشکال تشکیلاتی کار حزبی
- ۹۸- درباره انتخابات دومای دولتی چهارم
- ۱۰۰- درباره روش برخورد به طرح قانونی دوما در مورد بیمه دولتی کارگران
- ۱۰۲- درباره انحلال طلبی و گروه انحلال طلبان
- ۱۰۳- درباره تشکیلات حزب در خارج از کشور
- ۵۶ * نشست کمیته مرکزی در کراکو ۱۹۱۲-۱۹۱۳

- ۱۱۵- درباره اعتلای انقلابی، اعتصابات و وظایف حزب
- ۱۱۹- درباره مبارزه برای بیمه
- ۶۰ * نشست کمیته مرکزی در پورونین سپتامبر ۱۹۱۲
۱۲۱- درباره جنبش اعتصابی
- ۶۱ * دفتر روسیه کمیته مرکزی مارس ۱۹۱۷
۱۳۵- ((درباره برخورد به شوراها))
۱۳۶- ((درباره روابط بین شورای نمایندگان کارگران و سربازان و حکومت موقت))
- ۶۴ * کنفرانس سراسری هفتم (آوریل) ۲۰-۲۲ آوریل ۱۹۱۷
۱۵۴- درباره روش برخورد به حکومت موقت
۱۵۶- درباره شورای نمایندگان کارگران و سربازان
۱۵۸- درباره مساله ملیتها
- ۶۹ * کنگره ششم ۲۶ ژوئیه - ۳ اوت ۱۹۱۷
۱۷۴- اساسنامه حزب
۱۷۷- درباره وضعیت اقتصادی
۱۷۸- درباره حزب و جنبش اتحادیه های کارگری
۱۸۲- در باره خود داری رفیق لنین از حضور در دادگاه
- ۷۴ * تدارک کمیته مرکزی برای انقلاب اکتبر
۱۹۴- درباره قدرت دولتی
۱۹۶- ((درباره هیات رئیسه جدید برای شورای نمایندگان کارگران و سربازان))
۲۰۱- ((درباره پارلمان مقدماتی))
۲۰۲- ((درباره شورای نمایندگان کارگران و سربازان))
۲۱۴- ((درباره کمیته اجرایی شورای پتروگراد))
۲۱۵- ((بحث درباره کنگره دوم شوراها))

پیشنهاد شده به کنگره توسط لنین

۱۹۰۳

- ۱- عضو حزب کسی است که برنامه حزب را میپذیرد و به حزب، چه از نظر مالی و چه از طریق شرکت شخصی در یکی از سازمانهای حزبی کمک میرساند.
- ۲- کنگره حزب عالیترین ارگان حزب است. انعقاد کنگره های حزبی (در صورت امکان، حداقل هر دو سال یکبار) از طرف کمیته مرکزی صورت میگیرد. در صورت مطالبه کمیته های حزبی، یا اتحاد کمیته ها، که به رویهم یک سوم آرای کنگره قبلی را دارا بوده اند، و یا بنا به تقاضای شورای حزب، کمیته مرکزی ملزم به انعقاد کنگره است. کنگره در صورتی معتبر شناخته میشود که بیش از نیمی از همه کمیته های حزبی (درست تشکیل یافته) موجود در موقع انعقاد کنگره، نمایندگی شوند.
- ۳- سازمانهای زیر حق دارند در کنگره نمایندگی شوند: الف) کمیته مرکزی؛ ب) هیات تحریریه ارگان مرکزی؛ ج) تمام کمیته های محلی ای که به اتحادهای ویژه تعلق ندارند؛ د) تمام اتحادهای کمیته هایی که حزب آنها را برسمیت میشناسد؛ و ه) اتحادیه خارج کشور. هر یک از سازمانهای برشمرده شده در بالا در کنگره از دو رای قطعی برخوردار است. کمیته ها و اتحاد کمیته های جدید فقط در صورتی حق دارند در کنگره نمایندگی شوند که لااقل ۶ ماه قبل از تشکیل کنگره به تائید رسیده باشند.
- ۴- کنگره حزب کمیته مرکزی، هیات تحریریه ارگان مرکزی و شورای حزب را تعیین میکند.
- ۵- کمیته مرکزی همه فعالیتهای عملی حزب را جهت میدهد و آنها را هماهنگ میسازد، صندوق مرکزی حزب و هر نهاد فنی متعلق به کل حزب را اداره میکند. به اختلافات بینابینی و درونی سازمانها و نهادهای گوناگون حزب رسیدگی میکند.
- ۶- هیات تحریریه ارگان مرکزی جهت دادن ایدئولوژیک به حزب، ویراستن ارگان مرکزی حزب، ارگان علمی آن و جزوات جداگانه را بعهدہ دارد.
- ۷- شورای حزب از بین اعضای هیات تحریریه ارگان مرکزی و کمیته مرکزی از طرف

کنگره برگمارده میشود و شامل پنج نفر است. شورا مناقشات و اختلافات بین هیات تحریریه ارگان مرکزی و کمیته مرکزی را بر سر مسائل سازماندهی و تاکتیک های عمومی فیصله میدهد. شورای حزب، در صورتیکه همه اعضای کمیته مرکزی سابق از صحنه عمل خارج شوند، کمیته مرکزی جدیدی انتخاب میکند.

۸- کمیته ها و اتحاد کمیته های جدید از طرف کمیته مرکزی تأیید میشوند. هر کمیته، اتحاد، سازمان، یا گروه که از طرف حزب به رسمیت شناخته شود، مسئول کارهای صرفاً و دقیقاً مربوط به ناحیه، محله، یا جنبش ملی خویش و یا وظایف ویژه محوله به آن است؛ و در عین حال موظف است از تصمیمات کمیته مرکزی و ارگان مرکزی اطاعت کرده و به صندوق مرکزی حزب مقداری معادل آنچه کمیته مرکزی تعیین میکند، کمک مالی کند.

۹- هر عضو حزب و هر کسی که با حزب سروکار دارد، حق دارد بخواهد هر بیانیه ایی از جانب او، به شکل اصلی، به کمیته مرکزی، ارگان مرکزی یا کنگره حزب تحویل داده شود.

۱۰- وظیفه هر تشکیلات حزبی است که از هر فرصتی برای شناساندن فعالیتها و کل ترکیب خود به کمیته مرکزی و هیات تحریریه ارگان مرکزی استفاده کند.

۱۱- همه تشکیلاتها و نهادهای مجتمع حزب کارهایشان را از طریق رای اکثریت ساده به پیش میبرند و حق برگماری دارند، برای برگماری اعضای جدید و اخراج اعضاء اکثریت دو سوم آراء نیاز است.

۱۲- وظیفه اتحادیه سوسیال دموکراتهای انقلابی روس در خارج از کشور پرداختن به کار تبلیغ و ترویج در خارج از کشور و نیز کمک رساندن به جنبش در روسیه است. اتحادیه از همه حقوق کمیته ها برخوردار است، به استثنای آنکه کمک به جنبش در روسیه را از طریق افراد و گروههایی که بطور ویژه از طرف کمیته مرکزی به اینکار منصوب می شوند، انجام میدهد.

* برگرفته از:

«شرح جلسات کنگره دوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه، ۱۹۰۳».

* ترجمه:

«حزب کمونیست ایران (اسفند ماه ۱۳۶۶)».

• بخشی از قطعنامه ها و تصمیمات حزب

کارگر سوسیال دموکرات روسیه

* کنگره اول

۱-۳ مارس ۱۸۹۸

کنگره اول حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه از اول تا سوم مارس ۱۸۹۸ مخفیانه در شهر مینسک برگزار شد. مجموعاً ۹ نفر به نمایندگی از «اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر»، بوند و نشریه «رابوچایا گازتا» در آن شرکت داشتند.

کنگره اول به ابتکار «اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر» برگزار شد. لنین «اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر» را در سال ۱۸۹۵ با متحد ساختن محفل‌های مارکسیستی سن پترزبورگ و با هدف پیوند سوسیالیسم علمی با جنبش کارگری تشکیل داده بود. در شهرهای دیگر نیز بلافاصله سوسیال دموکراتها خود را در سازمانهای مشابهی و تحت همان نام متشکل ساختند. ضرورت تشکیل این سازمانهای مختلف در حزبی واحد برای رهبری مبارزات طبقه کارگر هرچه بیشتر احساس می شد. به همین منظور «اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر» سن پترزبورگ به پیشنهاد لنین تصمیم گرفت نشریه ای به نام «رابوچیه دیلو» ایجاد کند. اما پیش از اینکه این طرح عملی شود پلیس در دسامبر ۱۸۹۵ لنین و رهبران دیگر «اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر» را دستگیر کرد و بدین ترتیب تشکیل حزب به تعویق افتاد. لنین که ضرورت تشکیل حزب پرولتری را به شدت حس میکرد، از درون زندان فعالیتهای خستگی ناپذیر خود را در این راستا ادامه داده و به تهیه طرح برنامه حزب پرداخت.

«اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر» سن پترزبورگ نیز به رغم زندانی بودن بسیاری از رهبران برجسته اش از جمله لنین، کوششهای خود را برای تشکیل حزب ادامه داده و بنا به تأکیدهای مکرر لنین از زندان و طبق رهنمودهای وی گامهای عملی را برای برگزاری کنگره سراسری آغاز کرد. به همین منظور در تابستان سال ۱۸۹۶ کروپسکایا به نمایندگی از «اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر» سن پترزبورگ به اوکراین رفت تا با سوسیال دموکراتهای

آنجا در این باره مذاکره کند.

لنین در ضمن دو اثر مهم تئوریک برای تدوین برنامه حزب نوشت. اثر اول تحت عنوان «طرح برنامه حزب سوسیال دموکرات» در پایان سال ۱۸۹۵ در زندان سن پترزبورگ نوشته شد (مجموعه آثار لینین به زبان انگلیسی، جلد ۲ صفحات ۱۲۱-۹۳). اثر دوم در سال ۱۸۹۷ پس از تبعید لینین به سیبری نوشته شد و «وظایف سوسیال دموکراتهای روسیه» نام دارد (همانجا، صفحات ۵۱-۳۲۳). در این آثار لینین ضرورت تشکیل حزب پرولتری را مورد تأکید قرار داد و اصول برنامه ای آن را تشریح کرد. کوششهای لینین از زندان و تبعید و تلاشهای «اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر» سن پترزبورگ و گروههای دیگری مثل بوند باعث شد که کنگره اول حزب بالاخره در مارس ۱۸۹۸ برگزار شود. علاوه بر لینین و کروپسکایا که در موقع برگزاری کنگره در تبعید به سر میبردند، هیچ یک از رهبران بعدی سوسیال دموکراسی روسیه در این کنگره حضور نداشتند. کنگره تشکیل حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه را رسماً اعلام کرد. لینین با شنیدن خبر تشکیل حزب از کروپسکایا نوشت:

«تشکیل حزب بزرگترین گامی است که جنبش کارگری روسیه برای پیوندش با جنبش انقلابی روسیه برداشته است» (همانجا، جلد ۴، ص ۲۵۶).

کنگره، کمیته مرکزی حزب را با ۳ نفر عضو انتخاب کرد و «رابوچایا گازتا» را ارگان رسمی حزب اعلام داشت. پیامی به حزب سوسیال دموکرات آلمان فرستاد و یاد مبارزان انقلاب ۱۸۴۸ را گرامی داشت.

مهمترین دستاورد این کنگره را باید تصویب «مانیفست حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه» دانست (سند ۱). لینین در سال ۱۹۰۰ نوشت: «ما به عنوان اعضای حزب کاملاً با نظرات اساسی مطرح شده در این مانیفست موافق هستیم و برای آن به عنوان اعلام عمومی هدفهای حزب اهمیت فوق العاده ای قائلیم.» (همانجا، صفحات ۳۲۳ و ۳۵۳). گرچه مانیفست به ضرورت برقراری دیکتاتوری پرولتاریا اشاره ای نکرد، ولی لزوم رهبری انقلاب توسط پرولتاریا و ناتوانی و زبونی بورژوازی روسیه را مورد تأکید قرار داد.

کنگره اول نتوانست برای حزب برنامه و اساسنامه ایجاد کند و این وظیفه در کنگره دوم حزب در سال ۱۹۰۳ انجام پذیرفت. به جای اساسنامه سندی تحت عنوان «تصمیمات کنگره» تصویب شد (سند ۲). در بند اول آن در مورد جایگاه بوند در حزب اعلام شد که بوند «به عنوان یک سازمان خودمختار وارد حزب می شود و تنها در مورد مسایل مربوط به پرولتاریای یهود استقلال دارد». کنگره اصل سانترالیسم در تشکیلات را مورد پذیرش کامل

قرار نداد و کمیته مرکزی حزب از قدرت کافی برخوردار نبود.

پیش از آنکه حزب بتواند کاری انجام دهد و تصمیمات کنگره را متحقق سازد پلیس سرکوب خشن آن را آغاز کرد و دو نفر از سه عضو کمیته مرکزی و بقیه شرکت کنندگان در کنگره را بلافاصله دستگیر کرد و چاپخانه «رابوچایا گازتا» نیز بزودی کشف شد. در سال ۱۸۹۹ تلاش دیگری به عمل آمد تا این نشریه دوباره انتشار یابد و این بار سردبیری آن به لنین واگذار شد. این تلاش ناموفق ماند. بدین ترتیب حزب نتوانست بین سازمانهای محلی ارتباطی ایجاد کند. کنگره عملاً نتوانست سوسیال دموکراتهای روسیه را متحد سازد. حزب به منزله یک سازمان واحد متمرکز عملاً وجود خارجی نداشت و سازمانهای سوسیال دموکرات برنامه، اساسنامه و تاکتیک واحدی نداشته و از مرکز واحدی رهبری نمی شدند. اختلافات ایدئولوژیک روز به روز در داخل و خارج روسیه رشد می کرد و اکونومیسم در بعضی سازمانهای سوسیال دموکرات غلبه پیدا میکرد.

لنین در سال ۱۹۰۷ نوشت که پس از سرکوب نهادهای مرکزی حزب بعد از کنگره اول «در واقع حزب متحدی وجود نداشت: وحدت هنوز یک ایده و یک رهنمود بود» (جلد ۱۳ صفحات ۱۰۱-۱۰۰). ضرورت وجود یک حزب متمرکز رزمنده با شدت هر چه بیشتری احساس می شد. شکست کنگره اول لنین را متوجه ساخت که ایجاد حزب پرولتری واقعی به تدارک جدی و سیستماتیک نیاز دارد. لنین پس از مدت‌ها تفکر به این نتیجه رسید که باید یک روزنامه سراسری ایجاد شود. در سال ۱۹۰۰ پس از اتمام مدت تبعید، لنین به خارج از روسیه می‌رود و با همکاری چند تن از سوسیال دموکراتهای آن زمان از جمله پلخانف و مارتف روزنامه ایسکرا را ایجاد می کند. تلاشهای خستگی ناپذیر لنین از طریق روزنامه ایسکرا باعث شد که سرانجام کنگره دوم حزب در سال ۱۹۰۳ برگزار شود و حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه عملاً به وجود آید.

۱- مانیفست حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه

پنجاه سال پیش توفان زندگی بخش انقلاب ۱۸۴۸ سراسر اروپا را درنوردید. طبقه کارگر جدید برای اولین بار به مثابه یک نیروی تاریخی عمده در صحنه ظاهر شد. بورژوازی با تلاشهای خود موفق شده بود تا بسیاری از آداب و رسوم منسوخ فئودالی -

سلطنتی را بزداید. اما بزودی سرسخت ترین دشمن اش را در این متحد جدید یافت و از این رو هم طبقه کارگر، هم خود و هم آرمان آزادی را به ارتجاع فروخت، که بسیار بی بهره بود، زیرا طبقه کارگر با آنکه موقتاً سرکوب شده بود، پس از ده یا پانزده سال باز با قدرتی دو چندان و آگاهی فزون، همچون مبارزی پرتجربه برای آزادی نهایی خویش در صحنه تاریخ ظاهر می شد.

در طول این دوره، با توجه به همه شواهد، روسیه از مسیر اصلی تکامل تاریخی جدا مانده بود. مبارزه طبقاتی با اینکه ظاهراً مشاهده نمی شد، وجود داشت و مهم تر اینکه به رشد و اعتلای خود ادامه می داد. حکومت روسیه با محروم کردن دهقانان از وسایل معاش، پشتیبانی از زمین داران و پروردن سرمایه داران به هزینه مردم زحمتکش، با حرارت بی وصفی خود بذر مبارزه طبقاتی را در جامعه می پاشید. اما نظم بورژوا - سرمایه داری بدون وجود پرولتاریا یا طبقه کارگر غیرقابل تصور است. طبقه کارگر همزمان با سرمایه داری زاده شده، با آن رشد می کند و قوی تر می شود و در حین رشد خود هرچه بیشتر با بورژوازی می ستیزد.

کارگر صنعتی روسیه، چه برده چه آزاد، همواره علیه استثمارگرانش آشکار و نهان به مبارزه پرداخته است. گستره این مبارزه با انکشاف سرمایه داری رشد می یابد و لایه های وسیع تری از زحمتکشان را هرچه بیشتر در بر می گیرد. اعتلای آگاهی طبقاتی در پرولتاریای روسیه و گسترش جنبش خودبخودی کارگران با تکامل نهایی سوسیال دموکراسی بین المللی، به مثابه ابزار پیش برنده مبارزه طبقاتی و آرمان طبقاتی کارگران آگاه در سراسر جهان همزمان شد. تشکیلات کارگری اخیر روسیه همواره، آگاهانه یا ناآگاهانه، فعالیت های خود را در متن ایده های سوسیال دموکراتیک به پیش برده است. قدرت و اهمیت جنبش کارگران و سوسیال دموکراسی مورد حمایت آن، با سلسله اعتصابات اخیر در روسیه و لهستان، به ویژه اعتصابات مشهور بافندگان و ریسندگان سن پترزبورگ در سالهای ۱۸۹۶ و ۱۸۹۷ به روشنی آشکار شد. این اعتصابات حکومت را وادار کرد تا قانون دوم ژوئن ۱۸۹۷ در مورد مدت ساعات کار روزانه را اعلام کند. این قانون، به رغم نارسایی هایش، برای همیشه نشانه ای ماندگار خواهد بود از فشار پرتوانی که کوششهای یکپارچه کارگران می تواند بر عملکرد قانونگذاری و دیگر عملکردهای حکومت اعمال کند. حکومت بیهوده تصور می کند که می تواند کارگران را با دادن بعضی امتیازات آرام کند. در همه جا، هرچه بیشتر به طبقه کارگر امتیاز داده شود، بیشتر می طلبد و طبقه کارگر روسیه نیز چنین خواهد کرد. در گذشته پرولتاریا وقتی

خواست‌های داشت چیزی می گرفت، در آینده تمامی آنچه را که می خواهد، می گیرد. و چیست که طبقه کارگر روسیه نخواهد؟ او از آنچه که رفقاییش در دیگر کشورها آزادانه و به راحتی بهره مندند کاملاً محروم است: از سهم در اداره دولت، از آزادی بیان و مطبوعات، از آزادی گردهمایی و اجتماعات و در یک کلام از تمام ابزار و وسایلی که پرولتاریای اروپای غربی و آمریکا با آن وضعیت خود را بهبود بخشیده و در عین حال برای رهایی نهایی خود عیله مالکیت خصوصی و سرمایه داری و برای سوسیالیسم نبرد می کنند. آزادی سیاسی برای پرولتاریای روسیه همانقدر ضروری است که هوای پاک برای تنفس سالم، و این شرط اساسی برای رشد آزادانه پرولتاریا و پیروزی در مبارزه برای بهبود نسبی و رهایی نهایی او است.

اما پرولتاریای روسیه تنها خود می تواند آزادی سیاسی مورد نیازش را کسب کند. هرچه به شرق اروپا نزدیک تر می شویم، بورژوازی ترسوتر، بی اعتبارتر و از لحاظ سیاسی ضعیف تر بوده و وظایف فرهنگی و سیاسی پرولتاریا بیشتر است. طبقه کارگر روسیه سنگینی آرمان کسب آزادی سیاسی را باید بر دوش ستر خود تحمل کرده و چنین نیز خواهد کرد. این گامی ضروری اما مقدماتی است برای به انجام رساندن رسالت تاریخی پرولتاریا یعنی ایجاد نظم اجتماعی که در آن از استثمار انسان از انسان اثری نباشد. پرولتاریای روسیه یوغ استبداد را بدور خواهد انداخت و بدین ترتیب با نیروی بیشتر مبارزه علیه سرمایه داری و بورژوازی را تا پیروزی کامل سوسیالیسم ادامه خواهد داد.

اولین گامهای جنبش کارگران و سوسیال دموکراسی روسیه به ناچار ناهماهنگ و تا حدی بی هدف و عاری از اتحاد و برنامه بود. هم اکنون زمان آن فرا رسیده است که نیروها، محافل و سازمانهای محلی سوسیال دموکراسی روسیه را در تشکیلات واحدی چون «حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه» متحد کنیم. با آگاهی به این ضرورت، نمایندگان «اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر» گروه ناشر «رابوچایا گازتا» (Rabochaya Gazeta) و «اتحادیه سراسری کارگران یهود روسیه و لهستان» ((بوند)) کنگره ای را برگزار کرده اند که تصمیمات آن در زیر می آید.

گروه های محلی با اتحاد خود برای تشکیل حزب، از اهمیت این گام و مسئولیتی که دربر دارد کاملاً آگاهند، و بدین وسیله، یکبار و برای همیشه، گذار جنبش انقلابی روسیه را به یک دوران جدید مبارزه طبقاتی آگاهانه اعلام می کنند. حزب سوسیال دموکرات روسیه بمتابه یک گرایش و جنبش سوسیالیستی، آرمان و سنتهای کل جنبش انقلابی گذشته روسیه را ادامه می دهد. سوسیال دموکراسی با تعیین کسب کامل آزادی سیاسی به عنوان وظیفه عاجل و

اساسی حزب، هدفی را تعقیب می کند که قبلاً به روشنی توسط چهره های پرافتخار «نارودنایا ولیا» (Narodnaya Volya) طرح ریزی شده بود. اما سوسیال دموکراسی راهها و وسایل دیگری انتخاب می کند. این انتخاب با خواست آگاهانه سوسیال دموکراسی به عنوان جنبش طبقاتی توده های کارگر متشکل تعیین می شود. سوسیال دموکراسی شدیداً اعتقاد دارد که «آزادی طبقه کارگر تنها به دست خودش میسر است» و از این رو تمام فعالیتهای خود را استوارانه در انطباق با این اصل اساسی سوسیال دموکراسی بین المللی به پیش خواهد برد.

زنده باد سوسیال دموکراسی روسیه!
زنده باد سوسیال دموکراسی بین المللی!

۲- تصمیمات کنگره

۱- «اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر»، گروه «رابوچایا گازتا» و «اتحادیه سراسری کارگران یهود روسیه و لهستان» ((بوند)) بدین وسیله تشکیلات واحدی را به نام حزب ((کارگر)) سوسیال دموکرات روسیه تشکیل می دهند؛ اتحادیه سراسری کارگران یهود روسیه و لهستان «به عنوان یک سازمان خودمختار وارد حزب می شود و تنها در باره مسایل مربوط به پرولتاریای یهود استقلال دارد.

۲- ارگان اجرایی حزب کمیته مرکزی است که به وسیله کنگره حزب انتخاب شده و فعالیتهای خود را به آن گزارش می دهد.

۳- وظایف کمیته مرکزی عبارت است از:

الف - رسیدگی به عملکرد منظم حزب (تقسیم افراد و وجوه، تفویض و پیگیری خواستههای روزمره و غیره)؛ در این مورد کمیته مرکزی به وسیله رهنمودهای عمومی کنگره های حزبی هدایت می شود؛

ب - انتشار ادبیات حزبی و عرضه آن به کمیته های محلی؛

ج - سازماندهی اقداماتی که برای سراسر روسیه اهمیت عمومی دارند (مثل برگزاری اول ماه مه، نشر اعلامیه در مواقع مهم، کمک به اعتصاب کنندگان و غیره).

۴- در موارد به ویژه مهم، کمیته مرکزی طبق اصول زیر هدایت می شود:
الف - در موردی که مساله قابل تعویق است، کمیته مرکزی باید از کنگره حزبی دستور بگیرد؛

ب - در موردی که مساله غیر قابل تعویق است، کمیته مرکزی به طور مستقل و به اتفاق آرا عمل می کند و اقدامات خود را به کنگره حزبی عادی یا فوق العاده بعدی گزارش میدهد.

۵- کمیته مرکزی حق انتخاب اعضای جدید را دارد.

۶- وجوه حزبی که در اختیار کمیته مرکزی است از منابع زیر تأمین می شود:

الف - کمکهای مالی داوطلبانه کمیته های محلی که در ابتدای تشکیل حزب اعطا میشود؛

ب - برداشت آزادانه متناوب از وجوه کمیته های محلی؛

ج - وجه مختص کمیته مرکزی، برآورد شده به وسیله حزب.

۷- کمیته های محلی دستورهای کمیته مرکزی را به نحوی مناسب با شرایط محلی اجرا میکنند. در موارد استثنایی کمیته های محلی حق دارند، با مطلع ساختن کمیته مرکزی از دلایل خود، از اجرای درخواستهای آن امتناع ورزند. در تمام موارد دیگر کمیته های محلی با خودمختاری کامل عمل کرده و تنها توسط برنامه حزب هدایت می شوند.

۸- کمیته مرکزی در ارتباط با سازمانهای انقلابی دیگر نماینده حزب است، مشروط بر اینکه این ارتباط اصول برنامه و روشهای تاکتیکی حزب را نقض نکند. حزب حق هر ملیت را برای تعیین سرنوشت خویش به رسمیت می شناسد.

تبصره - کمیته های محلی تنها با اطلاع کمیته مرکزی و رعایت دستورهای آن با سازمانهای ((انقلابی دیگر)) رابطه برقرار می کنند.

۹- بالاترین ارگان حزب، کنگره نمایندگان کمیته های محلی است. کنگره ها به طور عادی یا فوق العاده برگزار می شوند. هر کنگره عادی تاریخ برگزاری کنگره عادی بعدی را تعیین می کند. کنگره های فوق العاده توسط کمیته مرکزی، به ابتکار خود آن و یا طبق درخواست دو سوم کمیته های محلی فرا خوانده می شود.

۱۰- «اتحاد سوسیال دموکراتهای روسیه در خارج» بخشی از حزب و نماینده آن در خارج است.

۱۱- «رابوچایا گازتا» ارگان رسمی حزب خواهد بود.

* کنگره دوم

۱۷ ژوئیه - ۱۰ اوت ۱۹۰۳

حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه در واقع در کنگره دوم آن در سال ۱۹۰۳ به وجود آمد و در همین کنگره نیز به دو جناح انقلابی (بلشویک) و اپورتونیستی (منشویک) منشعب شد.

کنگره دوم از ۱۷ ژوئیه تا ۱۰ اوت ۱۹۰۳ ابتدا در بروکسل برگزار شد و سپس در اثر فشار پلیس بلژیک به لندن انتقال یافت. مجموعاً ۵۷ نفر در آن شرکت داشتند که ۴۳ نفر دارای حق رأی و بقیه تنها دارای نظر مشورتی بودند. ۸ نفر از شرکت کنندگان زن بودند. علاوه بر طرفداران ایسکرا که با ۳۳ رأی دارای اکثریت بودند، ۸ مخالف ایسکرا (۵ نفر «بوندیست» و ۳ نفر «اکونومیست») و ۱۰ نفر نیز با موضع سانتریستی در کنگره شرکت داشتند. طرفداران ایسکرا خود به دو گروه طرفداران پیگیر ایسکرا (یعنی بلشویک های آینده با ۲۴ رأی) و طرفداران ناپیگیر ایسکرا (یعنی منشویکهای آینده با ۹ رأی) تقسیم می شدند. کنگره مجموعاً ۳۷ جلسه برگزار کرد. چند جلسه اول به مسایل کم اهمیت اختصاص یافت و سپس بررسی طرح برنامه حزب آغاز شد. طرح برنامه از طرف هیات تحریریه ایسکرا (لنین، پلخانف، مارتف، زاسولچ، پوترسف و آکسلرد) به کنگره ارائه شده بود. در موقع تهیه این طرح بین لنین و پلخانف که نویسندگان اصلی آن بودند، اختلافات شدیدی بروز کرد که بطور خلاصه عبارتند از: ۱) پلخانف معتقد بود که سرمایه داری در روسیه در حال مسلط شدن است، در حالی که از نظر لنین سرمایه داری در روسیه شیوه تولیدی مسلط بوده است؛ ۲) لنین برخلاف پلخانف معتقد بود که اصل دیکتاتوری پرولتاریا باید با صراحت کامل در برنامه گنجانده شود؛ ۳) لنین برخلاف پلخانف که لیبرالها را متحدان طبقه کارگر می دانست، معتقد بود که بورژوازی لیبرال باید به عنوان یک نیروی ضد انقلابی افشا شود؛ ۴) لنین اصرار میورزید که باید به خصلت صرفاً پرولتری حزب تأکید شود، در صورتی که پلخانف چنین تأکیدی نداشت؛ ۵) در مورد برنامه ارضی، لنین که به اتحاد کارگران و دهقانان و هژمونی پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک اعتقاد داشت، بر این عقیده بود که باید پس از اصلاحات اولیه به نفع دهقانان با گسترش جنبش دهقانی خواست ملی کردن زمین مطرح شود که

پلخائف مخالف بود (برای بررسی انتقادات لنین به پلخائف رجوع شود به مجموعه آثار، جلد ۶، صفحات ۷۶ - ۱۵).

اختلافات لنین و پلخائف در مورد نکات فوق باعث شد که هیات تحریریه ایسکرا یک کمیته تدوین طرح برنامه حزب ایجاد کند تا با تلفیق طرحهای پیشنهادی پلخائف و لنین و بویژه با در نظر گرفتن انتقادات لنین به پلخائف طرح برنامه مشترکی را برای ارائه به کنگره تهیه کند. طرح نهایی هیات تحریریه ایسکرا سرانجام در شماره ۲۱ ایسکرا در اول ژوئن ۱۹۰۲ انتشار یافت و در سال بعد به کنگره ارائه شد.

در موقع بحث درباره طرح برنامه در کنگره دوم، اکونومیستها به رهبری آکیف با اصل دیکتاتوری پرولتاریا و برنامه ارضی شدیداً به مخالفت برخاستند. بوندیستها نیز با بند مربوط به مساله ملی مخالف بودند. ولی اتحاد کلیه طرفداران ایسکرا باعث شد که حملات مخالفان بی اثر ماند و طرح برنامه پیشنهادی ایسکرا، که لنین نقش ارزنده ای در تهیه آن ایفا کرده بود، با تغییرات بسیار جزئی به عنوان برنامه حزب به تصویب برسد. به غیر از بخش ارضی برنامه که در سالهای بعد تغییر یافت، این برنامه تا تصویب برنامه جدیدی در سال ۱۹۱۹ برنامه رسمی حزب باقی ماند.

پس از تصویب برنامه، کنگره به بررسی اساسنامه حزب پرداخت. مساله اساسنامه که در واقع چارچوب تشکیلاتی حزب را مشخص می ساخت، برای لنین از اهمیت زیادی برخوردار بود. در موقع بحث پیرامون اساسنامه بود که اختلافات در درون طرفداران ایسکرا علنی شد و جناحهای اپورتونیستی و انقلابی سوسیال دموکراسی روسیه رسماً شکل گرفت. اختلاف در ابتدا در مورد تعریف عضو حزب یعنی بند اول اساسنامه بروز کرد. دو تعریف به کنگره ارائه شده بود: (۱) تعریف لنین - «عضو کسی است که برنامه آن را پذیرفته و آن را هم با کمکهای مالی و هم با شرکت شخصی در یکی از سازمانهای حزبی پشتیبانی می کند.» (۲) تعریف مارتف - «عضو حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه کسی است که برنامه آن را پذیرفته، به آن کمک مالی کند و تحت هدایت یکی از سازمانهای حزبی مساعدت شخصی خود را منظمماً در اختیار آن قرار دهد.» همان طور که آشکار است در تعریف لنین در شرکت شخصی عضو حزب در یکی از سازمانهای حزبی تأکید می شود، در حالی که در تعریف مارتف تنها به مساعدت شخصی اکتفا می شود. مضمون اصلی اختلاف بین لنین و مارتف در این مرحله را دو درک متضاد از ساخت تشکیلاتی حزب تشکیل می داد. لنین خواستار حزبی یکپارچه، مبارز، متشکل و با انضباط آهنین بود که در آن برای عناصر مترزلز و اپورتونیست جایی

نباشد. وی در یکی از سخنرانیهای خود در کنگره اظهار داشت:

«... حزب باید تنها پیشاهنگ و رهبر توده های وسیع طبقه کارگر باشد، که تمام (یا تقریباً تمام) آنان "تحت کنترل و هدایت" سازمانهای حزبی کار می کنند، ولی تمام آنان به "حزبی" تعلق ندارند و نباید داشته باشند... ریشه اشتباه کسانی که از تعریف مارتف طرفداری می کنند در این است که آنان نه تنها یکی از عمده ترین گرفتاریهای زندگی حزبی ما را نادیده می گیرند، بلکه حتی آن را تقدیس هم می کنند. گرفتاری این است... در شرایطی که ایجاب می کند کار ما در پنهانکاری کامل ادامه یابد، و در زمانی که بیشتر فعالیتهای ما باید به محفلهای کوچک و مخفی و حتی به جلسات خصوصی محدود شود، تمایز بین کسانی که فقط حرف می زنند و کسانی که کار می کنند برای ما شدیداً مشکل و حتی غیر ممکن است. به زحمت بتوان کشور دیگری را در جهان پیدا کرد که در آنجا قاطی شدن این دو مقوله چنین عادی و چنین باعث ابهام شدید و صدمه باشد... بهتر است ده نفر که واقعاً کار می کنند خود را عضو حزب ندانند... تا اینکه کسی که فقط حرف می زند حق و فرصت داشته باشد که عضو حزب باشد. این اصلی است که به نظر من انکار ناپذیر است، اصلی که مرا وادار می کند تا بر ضد مارتف مبارزه کنم... ما نباید فراموش کنیم که هر عضو حزب در مقابل حزب مسئولیت دارد و حزب در مقابل هر یک از اعضایش مسئول است. در شرایطی که ما باید فعالیتهای خود را به پیش ببریم... دادن عنوان عضویت به کسانی که عضو هیچ سازمان حزبی نیستند و مسئول کردن حزب در قبال آنان خطرناک و زیان آور است... ما وظیفه داریم که پایداری، پیگیری و پاکیزگی حزب مان را محفوظ داریم. ما باید بکوشیم تا منزلت و اهمیت عضو حزب را هر چه بالاتر ببریم - از این روست که من با تعریف مارتف مخالفم.» (جلد ۶، صفحات ۴۹۹-۵۰۲).

به رغم همه کوششهای لنین، اتحاد اپورتونیستهای مختلف از اکونومیستها و بوندیستها گرفته تا سانتریستها و طرفداران ناپیگیر ایسکرا، به عبارت دیگر از آکیف تا تروتسکی، باعث شد که بند اول اساسنامه طبق تعریف مارتف با ۲۸ رأی موافق، ۲۲ رأی مخالف و یک رأی ممتنع به تصویب برسد و تعریف لنین با ۲۳ رأی موافق و ۲۸ رأی مخالف رد شود. لازم به تذکر است که در کنگره های بعدی این بند اساسنامه تغییر کرد و تعریف لنین از عضو حزب پذیرفته شد.

گرچه مخالفان لنین به دلیل اتحاد اپورتونیستهای مختلف پیروزی موقت به دست آورده بودند، ولی این پیروزی دوامی نیاورد و آنان اکثریت خود در کنگره را به علت ترک بوندیستها

و اکونومیستها از کنگره، از دست دادند.

بعد از این تغییر در تناسب نیروها، وقت انتخاب هیات تحریریه ایسکرا و اعضای کمیته مرکزی فرا رسید. لنین می کوشید اعضای نهادهای رهبری حزب از انقلابیون ثابت قدم و پیگیر برگزیده شوند و بنابراین پیشنهاد کرد که هیات تحریریه ایسکرا از لنین، پلخانف (که در کنگره و مدت کوتاهی پس از آن از لنین پشتیبانی می کرد) و مارتف تشکیل شود. مارتف معتقد بود که همان شش عضو سابق در تحریریه باقی بمانند. کنگره به پیشنهاد لنین رأی داد و بدین ترتیب طرفداران لنین پیروزی تاریخ سازی به دست آوردند و بلشویسم و منشویسم شکل گرفت. لنین بعدها نوشت: «بلشویسم به مثابه یک جریان اندیشه سیاسی و یک حزب سیاسی از سال ۱۹۰۳ وجود داشته است.» (جلد ۳۱، ص ۲۴)

بحثهای مربوط به برنامه و اساسنامه حزب چنان به درازا کشید که فرصت کافی برای بررسی مسایل دیگر باقی نماند. با این وجود در چند ساعت آخر نشست ۳۷ کنگره (نشست آخر) چندین قطعنامه با عجله به تصویب رسید که از آن میان قطعنامه های مربوط به چگونگی برخورد به لیبرالها شایان توجه است. در این باره دو قطعنامه به کنگره ارائه شده بود: یکی قطعنامه پیشنهادی پلخانف که لنین و چند نماینده دیگر از آن حمایت می کردند و دیگری قطعنامه پیشنهادی استاروور (Starover) که مارتف، تروتسکی و ... پشتیبان آن بودند. نظر به اینکه ۳ نفر از طرفداران لنین به هر دو قطعنامه رأی دادند، در نتیجه هر دوی آنها که مضمون کاملاً متضادی داشتند به تصویب کنگره رسید. قطعنامه پلخانف (سند ۱۱) لیبرالیسم را جریانی ضد انقلابی و ضد پرولتری ارزیابی می کند. در حالی که قطعنامه استاروور پیشنهاد میکند که سوسیال دموکراسی تحت شرایطی با لیبرالیسم وارد توافق شود. (متن این قطعنامه در آخر این مقدمه آمده است و برای مطالعه انتقادات لنین به آن رجوع شود به «یک گام به پیش، دو گام به پس»، منتخب آثار به زبان فارسی صفحات ۱۹۹-۲۰۱). گرچه مشاجرات مربوط به اساسنامه حزب کل کنگره دوم را تحت الشعاع قرار داد، ولی ماهیت واقعی منشویسم را می توان به روشنی در این قطعنامه که خواهان اتحاد با بورژوازی است، مشاهده کرد. کنگره سوم حزب در سال ۱۹۰۵ قطعنامه استاروور را کلاً رد کرد.

قطعنامه مربوط به چگونگی برخورد به اس ارها (سند ۱۲) را اکسلرد (یکی از رهبران آینده منشویسم) نوشت و پاراگراف آخر آن را لنین و پلخانف اضافه کردند. قطعنامه های شماره ۶، ۹، ۱۰، ۱۳ و ۱۴ را مارتف تهیه کرد. قطعنامه روش برخورد به دانشجویان را نیز

لنین به کنگره ارائه داد. لازم به تذکر است که تمام قطعنامه های تصویب شده در کنگره (بجز قطعنامه استاروور) مورد توافق لنین و طرفداران او بود. و در آخر ما مطالعه اثر بسیار مهم لنین – «یک گام به پیش، دو گام به پس» – را که درباره مسایل مربوط به کنگره دوم نوشته شده است، برای درک بهتر قطعنامه های آن به خوانندگان توصیه می کنیم.

قطعنامه استاروور درباره لیبرالها:

«حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه، حزب مستقل سیاسی پرولتاریا، با حرکت از این اصل برنامه ما که اعلام می کند که حزب از کلیه جنبشهای مخالف و انقلابی علیه نظم موجود اجتماعی و سیاسی حاکم بر روسیه پشتیبانی می کند»، توافقی موقتی با گرایشهای لیبرالی یا لیبرال دموکراتیک را رد نکرده و در صورت لزوم از طریق نهادهای مرکزی اش چنین توافقی برقرار میکند؛ به شرطی که،

الف – این گرایشها به طور آشکار و صریح اعلام کنند که در مبارزه شان علیه حکومت مطلقه قاطعانه در کنار سوسیال دموکراتهای روسیه پایداری می کنند؛

ب – آنها در برنامه شان خواستهایی را که مخالف منافع طبقه کارگر و دموکراسی بطور عام هستند، یا آگاهی طبقه کارگر را خدشه دار نکنند، ننگانند؛

ج – آنها رأی همگانی، برابر، مخفی و مستقیم را به مثابه شعار مبارزاتی خود اتخاذ کنند.

امضا: استاروور، تروتسکی، مارتف، اکسلرد، ...

۳- برنامه حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه

۱ اوت ۱۹۰۳

توسعه بازرگانی چنان روابط نزدیکی بین مردم جهان متمدن ایجاد کرده که جنبش عظیم رهایی پرولتاریا باید بین المللی می شد و از مدتها قبل چنین شده است.

سوسیال دموکراسی روسیه با در نظر گرفتن خود به عنوان بخشی از ارتش جهانی پرولتاریا، همان هدف نهایی سوسیال دموکراتهای دیگر کشورها را دنبال می کند.

این هدف نهایی به وسیله ویژگی جامعه بورژوازی معاصر و سیر توسعه آن تعیین می شود. ویژگی عمده این جامعه تولید کالایی مبتنی بر روابط تولیدی سرمایه داری است. بیشترین

و مهم ترین بخش وسایل تولید و مبادله کالاها به طبقه کوچکی از معدود افراد تعلق دارد، در حالی که اکثریت قریب به اتفاق جامعه شامل پرولتاریا و نیمه پرولتاریایی است که جایگاه اقتصادی آنها مجبورشان می کند تا بطور مداوم یا متناوب کار خود را بفروشند و یا، بعبارت دیگر، اجیر سرمایه داران شوند و با کار خویش درآمد طبقات بالای جامعه را ایجاد کنند.

قلمرو تحت تسلط روابط تولیدی سرمایه داری با پیشرفت دائم تکنولوژی، که بر اهمیت اقتصادی بنگاههای تولیدی بزرگ می افزاید و تولید کنندگان کوچک مستقل را تضعیف میکند، دائماً گسترش می یابد. بدین ترتیب بخشی از تولید کنندگان کوچک مستقل به پرولتاریا تبدیل شده و عملکردهای اجتماعی - اقتصادی بقیه کاهش یافته که در بعضی موارد وابستگی کما بیش کامل، آشکار و شدید به سرمایه پیدا می کند.

بعلاوه همین پیشرفت تکنولوژی، سرمایه داران را قادر می سازد تا در تولید و گردش کالا از نیروی کار زنان و کودکان هرچه بیشتر استفاده کنند. از سوی دیگر، از آنجا که پیشرفت تکنولوژی منجر به کاهش نسبی نیازهای مدیریتی به نیروی کار انسانی می شود، عرضه کار به ناچار از تقاضا پیشی میگیرد و در نتیجه وابستگی کار مزدبری به سرمایه و میزان استثمار افزایش مییابد.

وضعیت فوق در جوامع بورژوایی، در کنار رقابت شدید فزاینده بین این کشورها در بازار جهانی، فروش کالاها را که در کمیتهای دائماً متزاید تولید می شود، مشکل می کند. اضافه تولیدی که در شکل بحرانهای صنعتی کما بیش حاد و به دنبال آن در دوره های هر بار کما بیش طولانی تر رکود صنعتی متظاهر میشود، بیانگر نتیجه گریز ناپذیر رشد نیروهای مولده در جامعه بورژوایی است. بحرانها و دوره های رکود صنعتی به نوبه خود تولید کنندگان کوچک را باز هم بیشتر خانه خراب می کند، وابستگی کار مزدبری به سرمایه را حتی بیشتر می کند و هر چه سریع تر به خانه خرابی نسبی و حتی گاهی مطلق وضعیت طبقه کارگر منجر می شود.

بنابراین پیشرفت تکنولوژی، که بیانگر افزایش بارآوری کار و رشد ثروت اجتماعی است، باعث افزایش نابرابری اجتماعی در جامعه بورژوایی، تعمیق شکاف بین دارا و ندار، زندگی نامطمئن تر، افزایش بیکاری و محرومیت های گوناگون برای بخشهای هر چه وسیع تر توده های زحمتکش میشود.

اما هر قدر که تمام این تضادهای ذاتی جامعه بورژوایی رشد و توسعه می یابد، نارضایتی

توده های زحمتکش و ستم کشیده از نظم موجود نیز رشد یافته، بر تعداد و همبستگی پرولتاریا افزوده شده و مبارزه اش با استثمارگران هر چه شدیدتر می شود. در عین حال پیشرفت تکنولوژی، که وسایل تولید و توزیع را متمرکز کرده و فرایند کار را در بنگاههای سرمایه داری اجتماعی میکند، هر چه سریع تر شرایط مادی برای جایگزینی روابط تولیدی سرمایه داری را با روابط تولیدی سوسیالیستی، عبارت دیگر شرایط مادی برای وقوع انقلاب اجتماعی را ایجاد می کند. انقلابی که بیانگر هدف نهایی تمام فعالیت‌های جنبش سوسیال دموکرات بین المللی، به مثابه سخنگوی آگاه جنبش طبقاتی پرولتاریا است.

انقلاب اجتماعی پرولتاریا با جایگزین کردن مالکیت اجتماعی وسایل تولید و توزیع به جای مالکیت خصوصی و با برقراری سازمان برنامه ریزی شده فرایند تولید اجتماعی، بطوریکه رفاه و رشد همه جانبه تمام افراد جامعه را تضمین کند، تقسیم طبقاتی جامعه را ملغی کرده و بدین وسیله تمام بشریت ستم کشیده را رها می سازد، زیرا به تمام اشکال استثمار بخشی از جامعه توسط بخش دیگر پایان می بخشد.

شرط ضروری برای این انقلاب اجتماعی دیکتاتوری پرولتاریا است، یعنی تسخیر آن قدرت سیاسی توسط پرولتاریا که او را قادر می سازد هرگونه مقاومت از جانب استثمارگران را سرکوب کند.

سوسیال دموکراسی بین المللی، با تعیین این وظیفه برای خود که پرولتاریا را قادر به تحقق رسالت تاریخی بزرگش سازد، وی را در یک حزب سیاسی مستقل مخالف با تمام احزاب بورژوایی متشکل می کند، تمام نموده‌های مبارزه طبقاتی اش را هدایت می کند، تقابل آشتی ناپذیر منافع استثمارگران با استثمار شونده‌گان را آشکار می سازد و اهمیت تاریخی و شرایط ضروری برای انقلاب اجتماعی نزدیک را به پرولتاریا می آموزد و در عین حال برای سایر توده های زحمتکش و استثمار شده، بی آیندگی وضعیت شان در جامعه سرمایه داری و ضرورت یک انقلاب اجتماعی برای رهایی آنان از یوغ سرمایه داری را آشکار می سازد. حزب طبقه کارگر، حزب سوسیال دموکرات، تمام لایه های زحمتکش و ستم کشیده جامعه را تا آنجا که دیدگاه پرولتری آنرا می پذیرند، به صفوف خود فرا می خواند.

سوسیال دموکرات‌های کشورهای مختلف، در راه رسیدن به هدف نهایی مشترک خویش که با تسلط شیوه تولید سرمایه داری در سراسر جهان متمدن تعیین می شود، مجبورند هم به دلیل رشد ناهمگون این شیوه تولید در جوامع مختلف و هم به دلیل وجود شرایط اجتماعی –

سیاسی متفاوت در هر کشور، برای خود وظایف کوتاه مدت مختلف معین کند. در روسیه که هم اکنون سرمایه داری شیوه مسلط تولید است، هنوز بسیاری از بقایای نظم پیش سرمایه داری کهن ما وجود دارد، نظمی که بر بندگی توده های زحمتکش به زمین داران بزرگ، دولت یا پادشاه مبتنی بود. این بقایا بزرگ ترین مانع ممکن برای پیشرفت اقتصادی بوده، از رشد همه جانبه مبارزه طبقاتی پرولتاریا جلوگیری کرده، به حفظ و تشدید وحشیانه ترین اشکال استثمار میلیونها دهقان توسط دولت و طبقات دارا کمک می کند و تمام مردم را در جهل و انقیاد نگه می دارد.

برجسته ترین این بقایا و قدرتمندترین تکیه گاه کل این نظم وحشیانه، استبداد تزاری است که، بنا بر ماهیت خود، دشمن هرگونه تغییر اجتماعی بوده و بدون تردید سرسخت ترین دشمن تمام آرزوها و آمال پرولتاریا برای آزادی است.

بنابراین، حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه واژگونی استبداد تزاری و جایگزینی آن را توسط یک جمهوری دموکراتیک وظیفه عاجل سیاسی خود قرار می دهد. قانون اساسی این جمهوری موارد زیر را تضمین می کند:

۱- حاکمیت مردم؛ یعنی تمرکز قدرت عالی دولتی در مجلس قانونگذاری واحدی متشکل از نمایندگان مردم.

۲- حق رأی همگانی، برابر و مستقیم در انتخابات مجلس قانونگذاری و تمام ارگانهای خودگردان محلی برای تمام شهروندان مرد و زنی که به سن بیست رسیده باشند؛ رأی مخفی در این انتخابات؛ حق هر رأی دهنده برای انتخاب شدن در هر نهاد انتخابی؛ دوره پارلمانی دو ساله؛ پرداخت حقوق به نمایندگان مردم.

۳- خودگردانی محلی وسیع؛ خودگردانی ناحیه ای برای نواحی با شرایط ویژه زندگی یا ترکیب ویژه جمعیت.

۴- مصونیت فردی و مصونیت مسکن،

۵- آزادی نامحدود عقیده، بیان، مطبوعات و اجتماعات، آزادی اعتصاب و تشکیل اتحادیه های کارگری.

۶- آزادی تغییر مکان و اشتغال.

۷- لغو امتیازات طبقاتی و برابری کامل تمام شهروندان بدون توجه به جنس، مذهب، نژاد یا ملیت.

۸- حق هر ملیتی برای آموزش به زبان مادری خویش از طریق برقراری مدارس لازم به

هزینه دولت و ارگانهای خودگردان؛ حق هر شهروند در بکارگیری زبان مادری خویش در جلسات عمومی؛ استفاده از زبان مادری بطور برابر با زبان رسمی در تمام نهادهای محلی، عمومی و دولتی.

۹- حق تعیین سرنوشت برای تمام ملیتهایی که بخشی از کشور را تشکیل می دهند.

۱۰- حق هر فرد برای به محاکمه کشیدن هر مقام رسمی از طریق مجاری عادی در برابر هیات ژوری.

۱۱- انتخاب قضات توسط مردم.

۱۲- جایگزینی ارتش دایمی با تسلیح عمومی مردم.

۱۳- جدایی دین از دولت و مدرسه از دین.

۱۴- تحصیل عمومی یا حرفه ای رایگان و اجباری برای تمام خردسالان دختر و پسر تا سن شانزده سالگی؛ تأمین غذا، لباس و وسایل تحصیل برای خردسالان نیازمند توسط دولت. حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه بعنوان شرط اساسی دموکراتیزه کردن اقتصاد کشور خواستار لغو تمامی مالیاتهای غیر مستقیم و وضع مالیات تصاعدی بر درآمد و ارث است.

حزب جهت حمایت از طبقه کارگر در برابر تحقیر جسمی و روحی و همچنین برای گسترش توانایی این طبقه برای مبارزه برای رهایی، خواستار مفاد زیر است:

۱- محدودیت کار روزانه به ۸ ساعت برای تمام کارگران مزدبر.

۲- مقررات قانونی برای مرخصی هفتگی برای همه مزدبگیران زن و مرد در تمام بخشهای اقتصاد کشور که مدت آن از ۴۲ ساعت متوالی کمتر نباشد.

۳- ممنوعیت کامل اضافه کاری.

۴- ممنوعیت شب کاری (از ۹ شب تا ۶ صبح) در تمام شاخه های اقتصاد به استثنای شاخه هایی که به دلایل تکنیکی مطلقاً به شب کاری نیاز دارند، و این دلایل باید مورد تأیید سازمانهای کارگری قرار گیرد.

۵- ممنوعیت استخدام خردسالان در سنین تحصیل (تا ۱۶ سال) و محدودیت مدت کار روزانه برای نوجوانان (۱۶ تا ۱۸ سال) به ۶ ساعت.

۶- ممنوعیت استفاده از کار زنان در مشاغلی که برای سلامت آنان زیان آور است؛ مرخصی برای زنان باردار از ۴ هفته قبل تا ۶ هفته بعد از زایمان، با حق دریافت دستمزد به میزان معمول در سراسر این دوره.

- ۷- ایجاد شیرخوارگاه برای نوزادان و خردسالان در تمام کارگاهها، کارخانه ها و بنگاههای تولیدی دیگری که زنان را استخدام می کنند؛ اجازه مرخصی حداقل نیم ساعت در هر سه ساعت به مادرانی که به فرزندان خود شیر می دهند.
- ۸- بیمه دولتی برای کارگران در سن پیری و مواقع ناتوانی جزئی یا کامل از طریق وجوه مخصوصی که با اخذ مالیات از سرمایه داران تأمین می شود.
- ۹- ممنوعیت پرداخت دستمزد جنسی؛ تعیین مدت زمانی از ساعات کار هفتگی در قراردادهای استخدامی برای پرداخت دستمزد نقدی.
- ۱۰- ممنوعیت برداشت از دستمزد کارگران توسط مدیریت بدون توجه به دلیل یا هدف چنین برداشتهایی (جریمه، کار ناقص و غیره).
- ۱۱- تعیین تعداد کافی بازرس کارخانه در تمام شاخه های اقتصاد و تعمیم بازرسی به تمام بنگاههای تولیدی، به علاوه بنگاههای تولیدی دولتی که کار مزدبری استخدام می کنند (کار خدمتکاران خانگی نیز تابع چنین بازرسی می باشد)؛ تعیین بازرسان زن در صنایعی که زنان را استخدام می کنند؛ شرکت نمایندگان منتخب کارگران به هزینه دولت در نظارت بر اجرای قوانین کارخانه، در تعیین میزان دستمزد و در پذیرش یا رد کالاهای تمام شده و سایر امور.
- ۱۲- نظارت ارگانهای خودگردان محلی، به همراه نمایندگان منتخب کارگران، بر شرایط بهداشتی واحدهای مسکونی کارخانه و همچنین نظارت بر مقررات حاکم بر استفاده از این واحدهای مسکونی و شرایط اجاره، بطوریکه از کارگران به عنوان شخص و شهروند در برابر دخالت کارفرمایان در زندگی و فعالیتهای خصوصی شان حمایت شود.
- ۱۳- برقراری بازرسی بهداشتی کاملاً سازمان یافته در تمام بنگاههای تولیدی که کار مزدبری استخدام می کنند؛ این تشکیلات بهداشتی باید کاملاً مستقل از مدیریت باشد؛ خدمات پزشکی رایگان برای کارگران به هزینه کارفرما، و پرداخت دستمزد در طول مدت بیماری.
- ۱۴- احراز مسئولیت جزائی برای کارفرمایان در موارد نقض قوانینی که برای حمایت از کارگران وضع شده است.
- ۱۵- ایجاد دادگاههای حرفه ای در تمام شاخه های اقتصاد که بطور یکسان از نمایندگان کارگران و مدیریت تشکیل شده باشد.
- ۱۶- لزوم ایجاد دفاتر کاریابی (مبادله کار) توسط ارگانهای خودگردان محلی برای استخدام

کارگران محلی و غیر شهری در تمام شاخه های اقتصاد، و شرکت نمایندگان سازمانهای کارگری در اداره آنها.

برای نابودی بقایای نظام سرواژ، که فشار طاقت فرسایی بر دهقانان وارد می کند، و برای پیش برد رشد آزاد مبارزه طبقاتی در روستا حزب قبل از هر چیز خواستار اجرای مفاد زیر است:

۱- الغای دیون مربوط به باخرید زمین، رانت اسمی (۱)، و تعهدات دیگری که در حال حاضر بر عهده دهقانان بعنوان یک طبقه مالیات پرداز قرار دارد.

۲- لغو تمام قوانینی که دهقان را از فروش زمین اش منع می کند.

۳- بازگرداندن تمام وجوهی که بعنوان دیون مربوط به باخرید زمین و رانت اسمی از دهقانان اخذ شده است؛ و برای این منظور مصادره اموال کلیساها و صومعه ها، و همچنین مصادره زمینهای متعلق به امپراتور، ارگانهای حکومتی و افراد خانواده تزار؛ وضع مالیات ویژه ای بر املاک زمین دارانی که از وجوه پرداخت شده دهقانان برای باخرید زمین وام دریافت کرده اند؛ سپردن وجوه بدست آمده در صندوق عمومی خاصی جهت نیازهای فرهنگی و خیریه ای جوامع روستایی.

۴- ایجاد کمیته های دهقانی برای:

الف - بازگرداندن زمینهایی که در موقع الغای سرواژ ((در سال ۱۸۶۱)) از تصرف دهقانان جدا شده، و هم اکنون به عنوان وسیله ای جهت در انقیاد نگهداشتن آنها توسط زمین داران مورد استفاده قرار می گیرند، به جوامع روستایی. (از طریق مصادره یا در صورت انتقال زمین به دیگران، از طریق خرید توسط دولت به هزینه متصرفات وسیع اشرافیت)؛

ب - بازگرداندن زمینهایی که در قفقاز هم اکنون دهقاناتی بعنوان «خیزانی» (۲) و غیره با قراردادهای موقت در دست دارند به خود آنان؛

ج - از بین بردن بقایای نظام سرواژ که در اورال، آلتای، ناحیه غرب و نواحی دیگر محفوظ مانده است.

۵- برخورداری دادگاه ها از حق تخفیف اجاره های بیش از اندازه و کان لم یکن اعلام کردن تمام معاملاتی که بیانگر روابط بندگی باشند.

حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه به نوبه خود اعتقاد راسخ دارد که تحقق کامل،

باشبات و پردوام این تغییرات سیاسی و اجتماعی تنها از طریق واژگونی حکومت استبدادی و تشکیل یک مجلس مؤسسان منتخب تمام مردم بدست می آید.

* یادداشت کمیته ترجمه

(۱) اصطلاحات رایون (Raion)، اوبلاست (Oblast)، ولوست (Volost)، گوبرنیا (Gubernia) و یوزد (Uezd) مربوط به تقسیمات کشوری در روسیه قبل از انقلاب اکتبر است که پس از انقلاب ملغی شد.

(۲) خیزانی (Khizani) به دهقانان بدون زمین گرجستان گفته می شد، که طبق شرایط معینی بر روی زمین ملاکان کار می کردند. این دهقانان رسماً سرف نبودند و از بعضی آزادیهای شخصی برخوردار بودند، رفرم ارضی سال ۱۸۶۱، اینان را در بر نمی گرفت و وابستگی شان به ملاکان قطع نشد.

۱۵- درباره روش برخورد به دانشجویان

۱۰ اوت ۱۹۰۳

کنگره دوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه از تسریع فعالیت انقلاب در بین دانشجویان استقبال کرده و از تمام سازمانهای حزبی می خواهد که از هر طریق ممکن با کوششهای این دانشجویان در جهت تشکل خود همگام شوند. کنگره توصیه می کند که تمام گروههای دانشجویی و محفلهای مطالعاتی اولاً در فعالیتهای خود به گسترش یک دیدگاه سوسیالیستی جامع و منسجم در بین اعضای خود اولویت بخشند تا آنان دانش کاملی از مارکسیسم، از یک سو، و پوپولیسم روسیه و اپورتونیسیم اروپای غربی از سوی دیگر - بعنوان گرایشهای عمده مخالف یکدیگر در حال حاضر - کسب کنند؛ ثانیاً کوشش کنند پیش از دست یازی به فعالیتهای عملی، با سازمانهای سوسیال دموکراتیک ارتباط برقرار سازند تا از نظر آنها بهره مند شده و در صورت امکان از اشتباهات فاحش در آغاز کارشان اجتناب کنند.

* کنگره سوم

۱۲-۲۷ آوریل ۱۹۰۵

کنگره سوم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه که از ۱۲ تا ۲۷ آوریل ۱۹۰۵ در لندن برگزار شد، در واقع کنگره ای کاملاً بلشویکی بود. منشویکها آن را تحریم کرده و کنفرانس (سراسری اول) خود را بطور همزمان در ژنو برگزار کردند.

پس از پایان کنگره دوم (۱۹۰۳) و پیدایش بلشویسم و منشویسم، منشویکها با نقض مصوبات کنگره نهادهای مرکزی حزب را یکی پس از دیگری در دست گرفتند. پلخائف ﴿...﴾

۱۶- اساسنامه حزب

۲۱ آوریل ۱۹۰۵

۱- عضو حزب کسی است که برنامه آنرا پذیرفته، به آن کمک مالی کند و در یکی از سازمان های حزب شخصاً فعالیت کند.

۲- ارگان عالی حزب کنگره حزب است. کنگره هر سال توسط کمیته مرکزی حزب فرا خوانده می شود. کمیته مرکزی موظف است در صورت درخواست آن تعداد سازمان های حزبی که مشترکاً نصف آرا را در کنگره حایز باشند، کنگره را در ظرف دو ماه فرا خواند. کنگره در صورتی رسمیت پیدا می کند که در آن سازمان هایی که مشترکاً حایز بیش از نصف آرا هستند، حضور داشته باشند.

تبصره یک - چنانچه کمیته مرکزی در صورت درخواست نصف کمیته ها از فرا خواندن کنگره سر باز زند، کنگره توسط کمیته تشکیلاتی که توسط کنفرانس نمایندگان کمیته های واجد شرایط انتخاب شده باشد، فرا خوانده می شود. کمیته تشکیلاتی در فرا خواندن کنگره از کلیه حقوق کمیته مرکزی برخوردار است.

تبصره دو - صورت سازمان هایی که جدیداً تأیید شده اند، همراه با تاریخ تصویبشان توسط کمیته مرکزی، باید فوراً در ارگان مرکزی منتشر شوند.

۳- سازمان های زیر حق نمایندگی در کنگره را دارند:

الف - کمیته مرکزی؛

ب - تمام کمیته های محلی که به اتحادیه های خاصی تعلق ندارند؛

ج - سازمان های دیگری که معادل کمیته هستند؛

د - تمام اتحادیه های کمیته هایی که توسط حزب به رسمیت شناخته شده اند.

هر یک از سازمان های فوق به وسیله یک نماینده با یک حق رأی در کنگره نمایندگی میشود؛ کمیته مرکزی با دو نماینده و هر کدام با یک حق رأی در کنگره نمایندگی می شود؛ یکی از این نمایندگان باید سردبیر ارگان مرکزی باشد.

نمایندگی اتحادیه ها با قواعد ویژه ای تعیین می شود.

تبصره یک - تنها آن سازمانهایی حق نمایندگی دارند که حداقل شش ماه قبل از ((تشکیل)) کنگره تأیید شده باشند.

تبصره دو - کمیته مرکزی می تواند نمایندگان سازمان هایی را که حایز شرایط تعیین شده در تبصره یک نباشند، با نظر مشورتی به کنگره دعوت کند.

۴- کنگره، کمیته مرکزی را انتخاب می کند.

۵- کمیته مرکزی، حزب را در ارتباط با احزاب دیگر نمایندگی می کند؛ یکی از اعضا خود را به سمت سردبیر ارگان مرکزی تعیین می کند؛ کمیته ها، اتحادیه های کمیته ها و نهادهای دیگر حزبی را سازماندهی کرده و فعالیتهای آنها را هدایت می کند؛ امور کلاً مهم حزبی را سازماندهی و اداره می کند؛ افراد و وجوه حزبی را تخصیص می دهد و عهده دار خزانه مرکزی حزب است؛ اختلافات درونی و مابین نهادهای حزبی مختلف را حل و فصل میکند؛ و به طور کلی تمام فعالیتهای حزب را هماهنگ و رهبری می کند.

۶- کلیه سازمانهای بنیادی حزب (محلی، رایون(۵)، کمیته های کارخانه و غیره) در کلیه امور قلمروی که مخصوصاً و منحصرأً برای پیشبرد فعالیت حزبی در آن قلمرو ایجاد شده اند خودمختارند؛ درجه خودمختاری گروههایی (مثل گروه های انتشاراتی، گروههای تبلیغی و غیره) که وظایف ویژه دارند، به وسیله مراکزی که آنها را ایجاد کرده تعیین می شود.

۷- هر سازمانی که توسط کنگره یا کمیته مرکزی تأیید شده باشد، حق دارد به نام خود نشریات حزبی انتشار دهد. کمیته مرکزی موظف است در صورت درخواست پنج کمیته واجد شرایط، انتشارات هر سازمان حزبی را پخش کند. کلیه نشریات حزبی موظف اند بیانیه های کمیته مرکزی را در صورت درخواست آن منتشر کنند.

۸- تمام سازمانهای حزبی باید توسط کمیته مرکزی تأیید شوند بجز آنهایی که مورد

تصویب کنگره قرار می گیرند؛ سازمانهای محلی پیرامونی ((مثل هسته ها، کمیته های کارخانه و رایون)) توسط مراکز محلی تأیید می شوند. کلیه تصمیمات کمیته مرکزی برای تمامی سازمانهای حزب لازم الاجراست. سازمانهای حزب همچنین موظف اند بیست درصد دریافتیهای خود را به خزانه مرکزی واریز کنند، بجز «کمیته سازمانهای خارج از کشور» که باید نود درصد دریافتیهای خود را به کمیته مرکزی تحویل دهد.

۹- کمیته محلی در صورت موافقت دوسوم اعضای کمیته مرکزی و دو سوم کارگران متعلق به سازمانهای حزبی محل باید توسط کمیته مرکزی منحل شود.

۱۰- هر عضو و یا هر شخصی با هرگونه ارتباط با حزب حق دارد درخواست کند که همه بیانییه هایش به شکل اصلی خود به کمیته مرکزی، ارگان مرکزی و یا کنگره حزب ارائه شود.

۱۱- هر سازمان حزبی موظف است که تمام اسناد مربوط به فعالیتها و افراد خود را در دسترس کمیته مرکزی و هیات تحریریه ارگان مرکزی قرار دهد و گزارش دقیق فعالیتهای خود را حداقل هر دو هفته یکبار به کمیته مرکزی تسلیم کند.

۱۲- تمام سازمانهای حزبی مسایل را با اکثریت ساده آرا حل می کنند؛ سازمانهای خودمختار حق عضوگیری جدید دارند. برای عضوگیری جدید یا اخراج اعضای حزب اکثریت دوسوم آرا لازم است. کمیته های محلی حق دارند اعضای خود را در سازمانهای پیرامونی خودمختار جای دهند. تصمیمات مربوط به عضوگیری و یا اخراج اعضا می تواند برای پژوهش به کمیته مرکزی ارجاع شود.

عضوگیری جدید برای کمیته مرکزی باید به اتفاق آرا باشد. در کمیته ها و سازمانهای مشابه محلی عضوگیری نامزدهای رسمی پیشنهاد شده توسط کمیته مرکزی و یا سازمانهای پیرامونی خودمختار با اکثریت ساده آرا انجام می گیرد.

* کنگره چهارم

کنگره وحدت

۲۵-۱۰ آوریل ۱۹۰۶

کنگره وحدت جناحهای بلشویک و منشویک حزب از ۱۰ تا ۲۵ آوریل ۱۹۰۶ در استکهلم برگزار شد. ۱۱۲ نفر با حق رأی و ۲۲ نفر با نظر مشورتی به نمایندگی از ۶۲ سازمان حزبی

در آن حضور داشتند. اغلب سازمانهای سوسیال دموکرات ملیتها نمایندگانی به کنگره اعزام کرده بودند. لنین، کروپسکایا، کالینین، لوناچارسکی، فرووزه و استالین جزو نمایندگان بلشویکها بودند.

کنگره وحدت در واقع کنگره ای منشویکی بود. منشویکها ۶۲ رأی در مقابل ۴۶ رأی بلشویکها، اکثریت آرا را در کنگره در دست داشتند. از این رو اغلب قطعنامه های تصویب شده در این کنگره، ماهیت منشویکی دارد. کنگره درباره مساله ارضی، وضعیت جاری و وظایف طبقاتی پرولتاریا، روش برخورد با دومای دولتی، قیام مسلحانه، امور تشکیلاتی و مسایل دیگر به مذاکره پرداخت. لنین درباره اغلب مسایل فوق سخنرانی کرد یا گزارش ارائه داد. وی همچنین عضو هیات رئیسه کنگره بود و چندین بار ریاست جلسات را به عهده داشت.

تسلط کمی منشویکها در کنگره باعث شد که اعضای هیات تحریریه ارگان مرکزی جدید (سوسیال دموکرات) تماماً از منشویکها انتخاب شدند و در کمیته مرکزی نیز اکثریت با آنان باشد.

لنین بلافاصله پس از پایان کنگره از طرف نمایندگان بلشویک نامه ای خطاب به حزب نوشت و تصمیمات کنگره را مورد انتقاد قرار داد و نوشت: «سه تا از مهم ترین قطعنامه های کنگره مهر و نشان نظرات اشتباه جناح منشویک سابق را در بر دارد.» (مجموعه آثار، جلد ۱۰، ص ۳۱۲). این سه قطعنامه عبارتند از: قطعنامه برنامه ارضی (سند ۵۱)، قطعنامه قیام مسلحانه (سند ۵۴)، و قطعنامه روش برخورد به دومای دولتی (سند ۵۶). لنین سپس ادامه میدهد که: «ما باید علیه تصمیمات اشتباه آمیز کنگره مبارزه ایدئولوژیک کنیم.» (همانجا، ص ۳۱۴).

کنگره وحدت اساسنامه جدیدی تصویب کرد و تعریف لنین از عضو حزب پذیرفته شد (سند ۵۰، بند ۱). ولی وقت بحث درباره بند ۷ اساسنامه راجع به روابط بین کمیته مرکزی و ارگان مرکزی اختلاف پیش آمد. لنین در این باره می نویسد: «درباره مساله تشکیلات، ما در مورد حقوق هیات تحریریه ارگان مرکزی اختلاف داشتیم. ما اصرار می کردیم که کمیته مرکزی از حق گزینش و اخراج اعضای هیات تحریریه برخوردار باشد.» (همانجا). کنگره به نظر منشویکها رأی داد. راجع به اختلاف در مورد بند دیگری از اساسنامه لنین نوشت: «منشویکها می خواستند تا میزان اعضای لازم برای فراخوان کنگره فوق العاده را به دو سوم بالا برند. من به همراه رفقای بلشویک تأکید کردیم که هرگونه تلاش برای محدود ساختن

خودمختاری و حقوق اپوزیسیون ... به انشعاب ناگزیر ختم می شود ... منشویکها موافقت کردند از دو سوم به نصف آرا پایین بیایند.» (همانجا، ص ۳۷۲).

یکی از قطعنامه های بحث انگیز کنگره، قطعنامه در باره فعالیت های پارتیزانی بود که



۵۰- اساسنامه تشکیلاتی

۲۵ آوریل ۱۹۰۶

۱- عضو حزب کسی است که برنامه حزب را پذیرفته، به آن کمک مالی کند و به یکی از سازمانهای حزبی تعلق داشته باشد.

۲- کلیه سازمانهای حزبی طبق اصول سانترالیسم دموکراتیک بنا می شوند.

۳- کلیه سازمانهای حزبی در مورد فعالیتهای داخلی خود، خودمختار هستند. هر سازمان حزبی تأیید شده، حق دارد به نام خود نشریات حزبی انتشار دهد.

۴- سازمانهای حزبی جدید توسط کنفرانسهای ابلاست یا دو سازمان همجوار تأیید میشوند. کمیته مرکزی بر این گونه تأییدها اعمال نظارت می کند.

۵- سازمانهای منطقه معینی می توانند جهت تشکیل اتحادیه های ابلاست متحد شوند. مرکز ابلاست، در کنفرانس یا کنگره ابلاست انتخاب می شود.

۶- کلیه سازمانهای حزبی باید ده درصد مجموع درآمدهای خود را به کمیته مرکزی تحویل دهند.

۷- کمیته مرکزی و هیات تحریریه ارگان مرکزی در کنگره انتخاب می شوند. کمیته مرکزی در روابط با احزاب دیگر، نماینده حزب است؛ کمیته مرکزی، نهادهای گوناگون حزبی را سازماندهی و فعالیت آنها را هدایت میکند؛ امور کلاً مهم حزبی را سازماندهی و اداره میکند؛ افراد و وجوه حزبی را تخصیص می دهد و عهده دار خزانه مرکزی حزب است؛ اختلافات درونی و مابین نهادهای حزبی مختلف را حل و فصل می کند و به طور کلی تمام فعالیت حزب را هماهنگ می کند. به هنگام تصمیم گیری در مورد سیاست حزب، کمیته مرکزی باید هیات تحریریه ارگان مرکزی را نیز در بر بگیرد. جای اعضایی که کمیته مرکزی را ترک کنند ((به خاطر دستگیری، کناره گیری و غیره)) با کاندیداهای تعیین شده توسط

کنگره و به ترتیبی که مشخص کرده است، پر می شود. جای اعضای که هیات تحریریه ارگان مرکزی را ترک کنند، توسط کمیته مرکزی که مشترکاً با اعضای باقی مانده هیات تحریریه کار می کند، پر می شود.

۸- کنگره، ارگان عالی حزب است. کنگره های عادی، هر سال توسط کمیته مرکزی فرا خوانده می شوند. کنگره فوق العاده باید، در صورت درخواست حداقل نیمی از اعضای حزب، طی دو ماه برگزار شود.

در صورت امتناع کمیته مرکزی از برگزاری کنگره تحت ضوابط فوق، آن نیمی از حزب که خواستار برگزاری کنگره است، می تواند یک کمیته تشکیلاتی، که دارای تمام حقوق کمیته مرکزی در زمینه فرا خواندن کنگره است، تشکیل دهد.

کلیه سازمانهای حزبی تأیید شده، برای هر پانصد عضو شرکت کننده در انتخاب نمایندگان، یک نماینده به کنگره اعزام می کنند. سازمانهایی که حداقل سیصد عضو رأی دهنده دارند، می توانند یک نماینده به کنگره اعزام دارند. سازمانهایی که به تعداد کافی عضو ندارند، میتوانند با سازمانهای همجوار متحد شده و در صورتی که مشترکاً حداقل دارای پانصد عضو رأی دهنده باشند، یک نماینده مشترک به کنگره اعزام دارند. انتخابات برای کنگره ها، مبتنی بر اصول دموکراتیک برگزار می شود.

کنگره در صورتی رسمیت می یابد که نمایندگان بیش از نیمی از کلیه اعضای حزب در آن حضور داشته باشند.

تشکیل هر کنگره و دستور جلسه آن باید حداقل یک ماه و نیم پیش از برگزاری کنگره، توسط کمیته مرکزی حزب یا در مواقع مقتضی توسط کمیته تشکیلاتی اعلام شود.

۵۷- در باره اتحادیه های کارگری

۲۵ آوریل ۱۹۰۶

نظر به اینکه:

- ۱- جنبش صنفی کارگران (تریونیونی) یک بخش ضروری مبارزه طبقاتی است و اتحادیه های کارگری عنصری اساسی در سازماندهی طبقاتی پرولتاریا است؛
- ۲- اتحادیه های کارگری به واسطه ماهیت هدفهایی که دنبال می کنند، باید در جهت

سازماندهی وسیع ترین توده های پرولتاریا تلاش ورزند؛

۳- پرولتاریای روسیه به ویژه تمایل شدیدی برای تشکیل اتحادیه های کارگری از خود نشان داده است؛

۴- مبارزه اقتصادی تنها در ارتباط صحیح با مبارزه سیاسی پرولتاریا، به بهبود واقعی وضعیت توده های کارگر و تقویت تشکیلات طبقاتی اصیل آنان منجر می شود؛

۵- در جو دوران انقلابی، اتحادیه های کارگری نه تنها از منافع اقتصادی طبقه کارگر دفاع میکنند، بلکه پرولتاریا را در مبارزه سیاسی بلاواسطه نیز درگیر کرده و تشکل عمومی و اتحاد سیاسی طبقه کارگر را ارتقا می بخشند؛

۶- در چنین جو انقلابی، توده های کارگر در فرایند تشکل و اتحاد سیاسی خود هر چه بیشتر زیر پرچم سوسیال دموکراسی جمع می شوند -
بنابراین کنگره تشخیص می دهد که:

۱- حزب باید از تمایلات کارگران برای ایجاد تشکیلات حرفه ای پشتیبانی کند و برای تشکیل اتحادیه های کارگری غیر حزبی از هیچ کمکی دریغ نرزد؛

۲- بدین منظور چارچوب قانونی باید همواره وسعت یابد و با استفاده از کلیه امکانات قانونی به ویژه قانون مربوط به تشکیل اتحادیه های کارگری، مبارزه بدون انحرافی برای آزادی کامل تشکیل اتحادیه های کارگری انجام گیرد؛

۳- کلیه اعضای حزب موظفند که در اتحادیه های کارگری وارد شوند، در کلیه فعالیتهای آنها بطور مؤثر شرکت کنند و پیوسته به تقویت همبستگی طبقاتی و آگاهی طبقاتی اعضای این اتحادیه ها پردازند تا از طریق مبارزه و تبلیغ، اتحادیه های کارگری را بطور ارگانیک با حزب پیوند دهند.

* کنگره پنجم

کنگره لندن

۳۰ آوریل - ۱۹ مه ۱۹۰۷

کنگره پنجم از ۳۰ آوریل تا ۱۹ مه ۱۹۰۷ در لندن برگزار شد. ۳۰۳ نفر با حق رأی و ۳۹ نفر با نظر مشورتی از ۱۴۵ سازمان حزبی به نمایندگی از ۱۵۰ هزار عضو حزب در آن

حضور داشتند. از میان ۳۰۳ نماینده با حق رأی ۸۹ نفر بلشویک، ۸۸ نفر منشویک، ۴۵ نفر از سوسیال دموکراتهای لهستان، ۲۶ نفر از سوسیال دموکراتهای لتونی و ۵۵ نفر از بوندیستها بودند. چون سوسیال دموکراتهای لهستان و لتونی از بلشویکها پشتیبانی می کردند، بنابراین برخلاف کنگره چهارم، در این کنگره بلشویکها اکثریت را در دست داشتند. از نمایندگان حاضر در کنگره می توان از لنین، کروپسکایا، زینوویف، استالین، پلخانف، مارتف، تروتسکی، ماکسیم گورکی و روزا لوگزامبرگ نام برد.

کنگره پنجم به واسطه تسلط کمی بلشویکها در آن، در مسایل اساسی انقلاب روسیه تصمیمات بلشویکی اتخاذ کرد. مهم ترین مساله ای که در کنگره مورد بحث قرار گرفت، روش برخورد به احزاب بورژوایی و غیر پرولتری و تعیین ماهیت انقلاب روسیه بود. گزارش اصلی را در این باره لنین ارائه داد و ﴿...﴾

۶۲- اساسنامه تشکیلاتی

۱۹ مه ۱۹۰۷

- ۱- عضو حزب کسی است که برنامه حزب را پذیرفته، به آن کمک مالی کند و به یکی از سازمانهای حزبی تعلق داشته باشد.
- ۲- کلیه سازمانهای حزبی طبق اصول سانترالیسم دموکراتیک بنا می شوند.
- ۳- کلیه سازمانهای حزبی در مورد فعالیتهای داخلی خودمختار هستند. هر سازمان حزبی تأیید شده، حق دارد به نام خود نشریات حزبی انتشار دهد.
- ۴- سازمانهای حزبی جدید توسط کنفرانسهای ابلاست یا دو سازمان همجوار تأیید میشوند. کمیته مرکزی بر این گونه تأییدها نظارت اعمال میکند. کمیته مرکزی باید نام سازمانهای جدیداً تأیید شده را در نشریات حزبی چاپ کند.
- ۵- سازمانهای هر منطقه معینی می توانند جهت تشکیل اتحادیه های ابلاست متحد شوند. مرکز ابلاست، در کنفرانس یا کنگره ابلاست انتخاب می شود.
- ۶- کلیه سازمانهای حزبی باید ده درصد مجموع درآمدهای خود را به کمیته مرکزی تحویل دهند.

۷- کمیته مرکزی در کنگره انتخاب می شود. کمیته مرکزی در روابط با احزاب دیگر، نماینده حزب است؛ کمیته مرکزی، نهادهای گوناگون حزبی را سازماندهی و فعالیت آنها را هدایت می کند؛ هیات تحریریه ارگان مرکزی را که تحت نظارت آن کار می کند، تعیین میکند؛ امور کلاً مهم حزبی را سازماندهی و اداره می کند؛ افراد و وجوه حزبی را تخصیص میدهد و عهده دار خزانه مرکزی حزب است؛ اختلافات درونی و مابین نهادهای مختلف حزبی را حل و فصل می کند و بطور کلی تمام فعالیت حزب را هماهنگ می کند. جای اعضای که کمیته مرکزی را ترک کنند ((به خاطر دستگیری، کناره گیری و غیره))، با کاندیداهای تعیین شده توسط کنگره و به ترتیبی که مشخص کرده است، پر می شود.

۸- کمیته مرکزی به منظور بحث و گفتگو در باره مسایل مهم زندگی حزبی، حداقل یکبار در هر سه یا چهار ماه، کنفرانسهای دوره ای نمایندگان اتحادیه های ابلاست، بوند، حزب سوسیال دموکرات لهستان و لیتوانی و حزب سوسیال دموکرات منطقه لتونی را فرا می خواند. نمایندگان اعزامی به این کنفرانسها بر اساس یک نماینده برای هر پنج هزار کارگر متشکلی که در انتخابات آخرین کنگره شرکت کرده اند انتخاب می شوند.

کلیه سازمانهایی که در اتحادیه های ابلاست حضور ندارند، نمایندگان خود را به همان ترتیب فوق در کنفرانسهای شان انتخاب می کنند. تصمیمات کنفرانسهای ((دوره ای)) تنها بعد از تصویب توسط کمیته مرکزی، لازم الاجرا می شود.

۹- کنگره، ارگان عالی حزب است. کنگره های عادی، هر سال توسط کمیته مرکزی فرا خوانده می شود. کنگره فوق العاده باید، در صورت درخواست حداقل نیمی از اعضای حزب، طی دو ماه برگزار شود.

در صورت امتناع کمیته مرکزی از برگزاری کنگره تحت ضوابط فوق، آن نیمی از حزب که خواستار برگزاری کنگره است، می تواند یک کمیته تشکیلاتی، که دارای تمام حقوق کمیته مرکزی در زمینه فرا خواندن کنگره است، تشکیل دهد.

کلیه سازمانهای حزبی که حداقل سه ماه قبل از تاریخ برگزاری کنگره تأیید شده باشند، حق دارند، بر اساس یک نماینده برای هر هزار عضو شرکت کننده در انتخاب نمایندگان، در کنگره نمایندگی شوند. سازمانهایی که به تعداد کافی عضو ندارند، می توانند با سازمانهای همجوار متحد شده و در صورتی که مشترکاً حداقل دارای هزار عضو رأی دهنده باشند، یک نماینده مشترک به کنگره اعزام دارند. انتخابات برای کنگره ها، طبق اصول دموکراتیک برگزار میشود. کنگره در صورتی رسمیت می یابد که نمایندگان بیش از نیمی از کلیه اعضای حزب در آن

حضور داشته باشند.

تشکیل هر کنگره و دستور جلسه آن باید حداقل یک ماه و نیم پیش از برگزاری کنگره، توسط کمیته مرکزی حزب یا در مواقع مقتضی توسط کمیته تشکیلاتی اعلام شود.

۶۳- درباره روش برخورد به احزاب غیر پرولتری

۱۶ مه ۱۹۰۷

نظر به اینکه:

۱- حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه هم اکنون با وظیفه به ویژه مهم تعیین ماهیت طبقاتی احزاب گوناگون غیر پرولتری و ارزیابی روابط طبقاتی در لحظه کنونی و سپس تعیین روش برخوردش به این احزاب روبرو است؛

۲- حزب سوسیال دموکرات همواره ضرورت پشتیبانی از جنبش اپوزیسیون و انقلابی علیه نظم اجتماعی و سیاسی موجود در روسیه را تأیید کرده است؛

۳- حزب سوسیال دموکرات، در عین حفظ موضع طبقاتی کاملاً مستقل، موظف است تا از هیچ کوششی برای قادر ساختن پرولتاریا به ایفای نقش رهبری در انقلاب بورژوا دموکراتیک، دریغ نرزد -

لذا کنگره اعتقاد دارد که:

۱- احزاب ارتجاعی و وابسته به باندهای سیاه (مثل اتحادیه مردان روسیه، حزب سلطنت طلب، شورای اشرافیت متحد و غیره) خود را هر چه مصمم تر و صریح تر به عنوان تشکلهای طبقاتی زمینداران دارای افکار فئودالی سازمان می دهند و تلاش می ورزند، تا از طریق تحریکات ناسیونالیستی و برپایی قتل عامهای مداوم، انقلاب را به خاک و خون کشند؛ بنابراین حزب سوسیال دموکرات باید رابطه بسیار تنگاتنگ این احزاب را با تزاریسم خاطرنشان کرده و ضرورت مبارزه آشتی ناپذیری را، به منظور نابودی کامل کلیه بقایای اجتماعی و سیاسی بربریت فئودالی، روشن سازد.

۲- احزابی مثل اتحادیه هفدهم اکتبر ((اکتبریستها))، حزب تجارت و صنعت و تا حدی حزب رفوم مسالمت آمیز و غیره، نمونه تشکلهایی هستند که بر بخشی از زمینداران و اقشار

عقب مانده تر بورژوازی اتکا دارند. این احزاب کاملاً جانب ضد انقلاب را گرفته اند، آشکارا از حکومت پشتیبانی می کنند و از غیر دموکراتیک ترین قانون اساسی ممکن، که بر امتیازات مالی استوار است، دفاع می کنند؛ بنابراین حزب سوسیال دموکرات باید بی رحمانه علیه این احزاب مبارزه کند.

۳- احزاب بورژوازی لیبرال - سلطنت طلب، به سرکردگی حزب دموکرات مشروطه طلب ((کادتها))، هم اکنون بطور قطعی از انقلاب روی گردان شده و سعی دارند از طریق معامله با ضد انقلاب، انقلاب را متوقف کنند؛ پایگاه اجتماعی این احزاب را بخشهایی از بورژوازی که از نظر اقتصادی مترقی ترند و بخصوص روشنفکران بورژوا تشکیل می دهد، بخشی از خرده بورژوازی شهر و روستا نیز تنها به واسطه سنت و همچنین به خاطر فریب سنجیده لیبرالها، به دنباله روی از این احزاب ادامه می دهد. هدفهای سیاسی این احزاب از حد یک نظام سلطنتی مشروطه، که توسط پلیس، سیستم قانونگذاری دو مجلسی، ارتش دایم و غیره از تهاجمات پرولتاریا حفظ شود، فراتر نمی رود؛ بنابراین حزب سوسیال دموکرات باید از فعالیتهای این احزاب برای آموزش سیاسی مردم استفاده جوید، تضاد بین جمله پردازیهای دموکراتیک دورویانه آنها و موضع دموکراتیک پیگیر پرولتاریا را نشان دهد، توهنات مشروطه طلبانه ای را که اشاعه می دهند افشا سازد و بی رحمانه علیه هژمونی آنها بر خرده بورژوازی دموکرات مبارزه کند.

۴- احزاب پوپولیست یا زحمتکشان (مثل حزب سوسیالیستهای مردمی، ترودوویکها، سوسیال رولوسیونرها) بطور کمابیش دقیقی منافع و دیدگاه توده های وسیع خرده بورژوازی شهر و روستا را بیان می کنند و بین تسلیم به هژمونی لیبرالها و مبارزه قطعی علیه زمینداران و دولت فتودالی در نوسانند؛ این احزاب هدفهای اساساً بورژوا دموکراتیک خود را در لفافه ایدئولوژی سوسیالیستی کمابیش نامفهومی می پوشانند؛ بنابراین حزب سوسیال دموکرات باید ماهیت سوسیالیسم دروغین آنها را افشا سازد و علیه تلاشهای شان جهت بی اهمیت جلوه دادن تقابل بین پرولتاریا و خرده مالکان مبارزه کند؛ از سوی دیگر، حزب سوسیال دموکرات باید هر کوششی به عمل آورد تا این احزاب را از زیر نفوذ و رهبری لیبرالها جدا کند، آنها را وادار سازد تا بین سیاستهای دموکراتهای مشروطه طلب و سیاستهای پرولتاریای انقلابی یکی را انتخاب کنند و بدین ترتیب ناگزیر شوند تا در مبارزه برای به پایان قطعی رساندن انقلاب دموکراتیک، از سوسیال دموکراتها علیه باندهای سیاه و کادتها جانبداری کنند.

۵- کوششهای مشترک حاصله باید امکان هرگونه انحراف از برنامه و تاکتیکهای سوسیال

دموکراسی را مسدود کند و صرفاً در خدمت تضمین تهاجم مشترکی علیه ارتجاع و تاکتیکهای خائنانه بورژوازی لیبرال قرار گیرد.

۶۴- درباره کنگره کارگران و سازمانهای کارگری غیر حزبی

۱۸ مه ۱۹۰۷

نظر به اینکه:

۱- حزب کارگر سوسیال دموکرات تنها تشکیلاتی است که بخش آگاه پرولتاریا را متحد میکند و به عنوان پیشاهنگ آن، مبارزه طبقه کارگر برای ایجاد نظم سوسیالیستی و شرایط سیاسی و اقتصادی لازم برای تحقق آن را رهبری میکند؛

۲- علاوه بر حزب سوسیال دموکرات، اشکال عمده سازمانی برای دفاع و تأمین منافع اقتصادی توده های کارگر، اتحادیه های کارگری و سپس انواع دیگر سازمانهای کارگران مثل تعاونیها و غیره هستند؛

۳- در لحظه طغیان انقلابی، سازماندهی و استفاده از نهادهای انتخابی غیر حزبی طبقه کارگر مثل شوراهای نمایندگان کارگران، شوراهای هیاتهای نمایندگی کارگران و غیره برای رشد و گسترش سوسیال دموکراسی، امکان پذیر می شود؛

۴- ایده تشکیل کنگره کارگران، بنا به ماهیتش، به جانشین شدن نهایی سازمانهای کارگران غیر حزبی به جای حزب سوسیال دموکرات منتهی می شود و همچنین تدارکات سازماندهی و تبلیغاتی برای تشکیل کنگره کارگران به ناگزیر به از هم پاشیدگی حزب می انجامد و وابستگی توده های وسیع کارگران را به نفوذ دموکراسی بورژوایی شدت می بخشد - کنگره بنابراین اعتقاد دارد که:

الف - برای گسترش و تحکیم نفوذ سوسیال دموکراسی بر توده های وسیع پرولتاریا، ضروری است که، از یک سو، کار سازماندهی اتحادیه های کارگری و بسط تبلیغ و ترویج سوسیال دموکراتیک در درون آنها شدت یابد و، از سوی دیگر، بخشهای هر چه وسیعتری از طبقه کارگر به شرکت در انواع گوناگون سازمانهای حزبی جلب شوند.

ب - مطلوب است سازمانهای حزب سوسیال دموکرات در نهادهای غیر حزبی همچون شوراهای نمایندگان کارگران و شوراهای هیاتهای نمایندگی کارگران و در کنگره های نمایندگان

آنها شرکت کنند و همچنین به سازماندهی آنها بپردازند. البته مشروط بر اینکه این کار کاملاً در انطباق با خطوط حزبی انجام گیرد و هدفش تحکیم و گسترش حزب کارگر سوسیال دموکرات باشد.

ج – تبلیغ برای تشکیل کنگره کارگران غیر حزبی، که آنارکوسندیکالیستها از آن به عنوان اسلحه ای علیه نفوذ سوسیال دموکراسی بر توده های کارگر استفاده می کنند، برای رشد طبقاتی پرولتاریا زیان آور است.

۶۸- درباره اتحادیه های کارگری

۱۹ مه ۱۹۰۷

کنگره با تأیید قطعنامه کنگره وحدت درباره کار در اتحادیه های کارگری، توجه سازمانهای حزبی و سوسیال دموکراتهای فعال در اتحادیه های کارگری را به یکی از هدفهای عمده فعالیت سوسیال دموکراسی در این اتحادیه ها جلب می کند؛ و آن پیش بردن شناسایی رهبری ایدئولوژیک حزب سوسیال دموکرات توسط اتحادیه های کارگری و همچنین برقرار کردن ارتباط تشکیلاتی با حزب است. ضروری است که این هدف در هر جا که شرایط محل اجازه دهد، عملی شود.

* کمیته مرکزی درباره فعالیتهای علنی

فوریه – مارس ۱۹۰۸

مساله تعیین موضع دقیق حزب درباره اتحادیه های کارگری و تعاونیها در سالهای پس از انقلاب ۱۹۰۷-۱۹۰۵ و به ویژه پس از شکست این انقلاب در سال ۱۹۰۷ اهمیت فوق العاده ای پیدا کرد. قبلاً کنگره های چهارم (کنگره وحدت در سال ۱۹۰۶) و پنجم (کنگره لندن در سال ۱۹۰۷) درباره روش برخورد حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه به اتحادیه های کارگری قطعنامه هایی به تصویب رساندند که با آنها آشنا شدیم (سندهای ۵۷ و ۶۸).

همچنین می دانیم که بلشویکها و منشویکها دو نظر کاملاً متفاوتی در باره روابط حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه با اتحادیه های کارگری و اصولاً سازمانهای علنی طبقه کارگر

ابراز می‌کردند.

در حالیکه منشویکها معتقد به «بیطرفی» اتحادیه های کارگری بودند، بلشویکها بر این اعتقاد بودند که رهبری ایدئولوژیک حزب طبقه کارگر توسط اتحادیه های کارگری پذیرفته شود. در ضمن همانطور که در پیشگفتار کنفرانس سوم (سراسری دوم) توضیح دادیم، این کنفرانس نتوانسته بود در باره چگونگی برخورد حزب به اتحادیه های کارگری تصمیم مشخصی اتخاذ کند و مساله را به کمیته مرکزی محول کرده بود.

کمیته مرکزی برای حل مساله در اوایل سال ۱۹۰۸ «کمیسیون اتحادیه های کارگری و تعاونیها» را تشکیل داد تا جمعبندی مشخصی در این باره ارائه دهد.

این کمیسیون پس از مطالعات زیادی در این باره دو سندی را که در این بخش آمده است تهیه کرد. سند اول (سند شماره ۷۳) تحت عنوان درباره اتحادیه های کارگری در فوریه ۱۹۰۸ انتشار یافت و موضع حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه را در روابطش با اتحادیه های کارگری مشخص میکند. باید توجه داشت که در موقع انتشار این سند بسیاری از ۶۰۰ اتحادیه کارگری علنی که در سال پیش فعالیت می‌کردند، توسط مقامات پلیس تزاری اجباراً تعطیل شدند. و به جای آنها تعدادی اتحادیه های کارگری غیر علنی تأسیس شدند که البته نفوذ چندانی در بین کارگران نداشتند.

سند دیگر این بخش (سند ۷۴) چگونگی برخورد حزب را در مقابل تعاونیها مشخص میکند.

۷۳- درباره اتحادیه های کارگری

فوریه ۱۹۰۸

۱- کار شدید حزب سوسیال دموکرات در جنبش اتحادیه های کارگری، که وضعیت کنونی آن را طلب می کند، باید طبق مفاد قطعنامه های کنگره لندن و کنگره اشتوتگارت ((انترناسیونال دوم در سال ۱۹۰۷)) انجام گیرد؛ به عبارت دیگر، طبق حرکتی انحراف ناپذیر برای ایجاد نزدیک ترین رابطه ممکن بین اتحادیه ها و حزب سوسیال دموکرات که تحت هیچ شرایطی بی طرفی اتحادیه های کارگری و یا پیوستگی غیر حزبی آنها را از لحاظ اصول به رسمیت نشناسد.

شناسایی اتحادیه های کارگری به عنوان ((نهادهای)) سوسیال دموکرات، باید صرفاً نتیجه ترویج و سازماندهی سوسیال دموکراتیک در درون اتحادیه های کارگری باشد و نباید یکپارچگی و مبارزه اقتصادی پرولتاریا را بگسلد.

۲- همانطور که حرکت‌های مختلف پرولتاریا در طول انقلاب ۱۹۰۵ و پس از آن نشان داد، اتحادیه های کارگری در بیشتر موارد برای ایجاد هسته های تشکیلاتی منسجم در مؤسسات تولیدی گوناگون موفقیتی کسب نکردند. بنابراین، سرکوبهای حکومت نه تنها به تعطیل اکثر اتحادیه ها، بلکه به نابودی کامل بعضی از آنها نیز منجر شد؛ با در نظر گرفتن نکات فوق، وظیفه عمده در لحظه کنونی ایجاد هسته های تشکیلاتی منسجم است. بدون چنین هسته هایی، ساختن اتحادیه های کارگری پردوام و یا هدایت مبارزه اقتصادی پرولتاریا غیر ممکن است.

۳- در جاهایی که اتحادیه های کارگری قانونی وجود دارد یا می توان آنها را دوباره تشکیل داد، این هسته ها یا سازمانهای صنفی اولیه را می بایستی در کلیه کارخانه ها، مؤسسات تجاری و صنعتی ایجاد کرد. اعضای حزب سوسیال دموکرات باید در تمام چنین سازمانهای اولیه، به منظور اثر گذاری سیستماتیک بر آنها با روح سوسیال دموکراسی، گروههای منسجم خود را تحت حمایت مراکز حزبی محلی تشکیل دهند.

در جاهایی که سرکوبهای پلیسی، اتحادیه های کارگری قانونی را کاملاً در هم شکسته و هیچ امکانی برای احیای قانونی آنها وجود ندارد، اتحادیه های کارگری غیر قانونی باید به فوریت تشکیل شوند. هر اتحادیه غیر قانونی، مثل هر اتحادیه قانونی، باید بر اساس سازماندهی بیشترین کارگران ممکن در هسته صنفی در مؤسسه تولیدی معینی پایه ریزی شود، و در درون این هسته ضروری است که به ویژه یک گروه تریدیونیونی سوسیال دموکراتها در آن مؤسسه، سازماندهی شود.

۴- به منظور متحد کردن کلیه فعالیتهای سوسیال دموکراتیک در اتحادیه های کارگری، ضروری است که گروههای تریدیونیونی سوسیال دموکراتها در هر صنفی سازماندهی شوند و در نتیجه گروههای تریدیونیونی سوسیال دموکراتها در مؤسسات مختلف به هم مرتبط شوند. کلیه این گروهها باید به مرکز حزبی محلی متصل بوده و فعالیتهای خود را در ارتباط تشکیلاتی نزدیک با آن به پیش برند.

۵- برای کار حزبی در بین وسیع ترین توده های پرولتاریا باید گروههای منسجم سوسیال دموکراتها را در انجمنهای قانونی مثل انجمنهای کمک متقابل، انجمنهای منع استفاده از

نوشابه های الکلی و غیره تشکیل داد. در چنین مواردی باید کاملاً آگاه بود که انجمنهای قانونی نمیتوانند جای اتحادیه های کارگری مبارز را بگیرند و این که فعالیتهای متشکل پرولتاریا نمیتواند در چارچوب این انجمنها محدود شود.

۶- اتحادیه های غیر قانونی باید برای به رسمیت شناخته شدن قانونی خود سرسختانه مبارزه کنند، ولی این موجودیت قانونی نباید باعث کم اهمیت شدن وظایف مبارزه جویانه سازمانهای صنفی پرولتاریا شود.

۷۴- ((در باره تعاونیها))

مارس ۱۹۰۸

... سوسیال دموکراتها باید با کار طولانی و پیگیر، تعاونیها را به اتحادیه های کارگری و حزب پیوند دهند. این پیوند با توجه به تازگی جنبش تعاونی و خصلت توده ای آن، به ویژه ضروری است. سوسیال دموکراتها نباید بدون هیچ رد و نشانی در درون این سازمانها ناپدید شوند، بلکه برعکس باید گرد هم جمع شده و تأثیر متحدی باقی گذارند. بدیهی است که سوسیال دموکراتها باید از طریق تعاونیها دائماً افراد جدیدی را برای حزب و اتحادیه های کارگری عضوگیری کنند. آنها باید طبق موکدترین اصول دموکراتیک عمل کنند و بدین ترتیب خود انگیزگی توده ها و خصلت توده ای جنبش را تضمین کنند... وظایف فوری سوسیال دموکراتها در تعاونیها عبارتند از: مبارزه علیه سود بالای سهام و هزینه های دریافت وام، تبلیغ برای کارهای فرهنگی و آموزشی بیشتر توسط تعاونیها، درخواست از حزب و اتحادیه های کارگری برای کمک و پشتیبانی از کارگران در طول اعتصابها و حرکتها دیگر... روابط نزدیک بین تعاونیها و اتحادیه های کارگری برای هر دو طرف بینهایت مفید است. در بعضی جاها اتحادیه های کارگری با وجوه خود تعاونی باز میکنند که ممکن است در شرایط کنونی به ورشکستگی آنها منجر شود ما در حالی که کوشش اتحادیه های کارگری را برای ایجاد تعاونیهای جدید و تقویت تعاونیهای موجود فوق العاده مطلوب می دانیم، ولی در عین حال به آنها هشدار می دهیم که وجوه خود را به این ترتیب صرف نکنند. دارایی اتحادیه های کارگری باید برای هدفهای مبارزاتی صرف شود. وجوه تعاونیها باید از طریق جمع آوری پرداختیهای اعضای اتحادیه های کارگری و اعضای دیگر تعاونی که البته به افراد یک صنف

محدود نیست، تأمین شود.

تعاونی باید نه تنها به واسطه ماهیت فعالیتش، بلکه همچنین از لحاظ عضویت نیز یک سازمان پرولتری باشد. این بدان معنی نیست که تعاونی باید مطلقاً و منحصراً از کارگران تشکیل شود. این تنها بدان معنی است که خصلت عام تعاونی و قسمت عمده عضویت آن باید پرولتری باشد. عناصر غیر پرولتری با شرط، یک سهم – یک رأی، به تعاونیها پذیرفته می شوند، البته اگر این امر حرکت مستقل کارگران را به مخاطره نیاندازد.

تنها افرادی که نباید به عضویت یا مدیریت تعاونی پذیرفته شوند، کسانی هستند که در اداره کارخانه کار می کنند یا اینکه کارگران مستقیماً به آنها وابسته هستند و می توانند فشارهای نامطلوب اعمال کنند. تعاونی باید مدرسه ای برای تربیت پرولتاریا جهت فعالیت مستقل باشد. این امر باید نه تنها در مسئول بودن کامل و آشکار بودن مدیریت کلیه امور تعاونی، بلکه همچنین در شیوه اداره مالی تعاونی نیز خود را نشان دهد. تعاونی به جای اینکه گامهایی بر دارد که از همان ابتدا دست و پای کارگران را ببندد یا آنها را وادار به درخواست کمک از بیرون کند، بهتر است که گسترش آرام و تدریجی داشته باشد. در این مورد ما به رفقا هشدار می دهیم که از مدیریت مساعده نگیرند و اعانه هایی را که هرگونه تعهدی در بر داشته باشد، نپذیرند.

هم اکنون کوششهایی در جهت متمرکز ساختن جنبش تعاونی در حال شکل گیری است. به ویژه، قرار است یک کنگره سراسری انجمنهای تعاونی در آینده نزدیک برگزار شود. این حرکت متمرکز طلبانه باید ارتقا داده شود و فعالانه در آن شرکت داشت. سوسیال دموکراتها باید از پیش مسائلی را که قرار است در کنگره بررسی شود، مورد بحث قرار دهند و به عنوان یک گروه منسجم در کنگره ظاهر شوند. اما شرکت فعال در جنبش تعاونی بدین معنا نیست که سوسیال دموکراتها حتی برای یک لحظه مسئولیت عظیمی را که به عنوان تنها رهبران قابل اطمینان این جنبش به عهده دارند – به ویژه در جاهایی که مبتکر این جنبش نیز هستند – فراموش کنند. در اینگونه موارد، هر اشتباهی نه تنها به اضمحلال سازمان کارگری معینی – که فی نفسه بی نهایت ارزشمند است – منجر می شود، بلکه همچنین باعث می شود که توده ها از سوسیال دموکراتها به عنوان کسانی که ظاهراً مسئول این اضمحلال هستند، ناراضی شوند. بدین دلیل است که ما با وظیفه به ویژه مبرم توضیح شرایط ضروری برای گسترش صحیح جنبش تعاونی (آزادی سیاسی، توسعه دیگر جنبه های جنبش کارگران، دستمزدهای کمابیش مکفی، سطح بالای آگاهی توده ها و غیره) و همچنین دقت و احتیاط

شدید در اعمال خود روبرو هستیم. برای تشکیل یک تعاونی، باید از پیش زمینه را در بین توده های کارگر فراهم ساخت، وجوه لازم را جمع آوری کرد، رهبران شایسته را پیدا کرد و غیره.

رشد سریع، اغلب پدیده ای ناسالم و مضر است. تنها با کوششهای تدریجی می توانیم تجربه ای را که هم اکنون فاقد آنیم، بیاندوزیم.

کار سوسیال دموکراتها در تعاونیها نه تنها تعاونیها را بر پایه طبقاتی محکمی استوار میکند، بلکه همچنین تأثیر مطلوبی نیز بر گسترش خود حزب سوسیال دموکرات دارد. تعاونیها با متحد ساختن حتی عقب افتاده ترین لایه های پرولتاریا، آنها را به قلمرو منافع مشترک پرولتری جلب می کند و روحیه فعالیت مستقل و همبستگی را در آنها رشد میدهد...

* کنفرانس سراسری پنجم حزب

۲۷-۲۱ دسامبر ۱۹۰۸

کنفرانس پنجم از تاریخ ۲۱ تا ۲۷ دسامبر ۱۹۰۸ در پاریس برگزار شد و ۱۶ نماینده با حق رأی شامل ۵ بلشویک، ۳ منشویک، ۵ سوسیال دموکرات لهستانی و ۳ بوندیست در آن حضور داشتند. لنین به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب در آن شرکت کرد و گزارشی تحت عنوان «در باره لحظه کنونی و وظایف حزب» ارائه داد که بر مبنای آن قطعنامه ای به تصویب رسید (سند ۷۶).

در این گزارش ﴿...﴾

۷۶- در باره وظایف حزب در لحظه کنونی

... کنفرانس سراسری حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه معتقد است که در لحظه کنونی، حزب با وظایف اساسی زیر روبرو است:

۱- باید به توده های وسیع مردم معنی و اهمیت سیاست اخیر ((رفرم ارضی)) حکومت استبدادی و نقش پرولتاریای سوسیالیست را - که در عین پیروی از سیاست مستقل طبقاتی، باید دهقانان دموکرات را در زندگی سیاسی فعلی و در مبارزه انقلابی آینده رهبری کند -

توضیح دهد. هدف این مبارزه همچون گذشته سرنگونی تزاریسم و تسخیر قدرت سیاسی توسط پرولتاریا است که با پشتیبانی اقشار انقلابی دهقانان انقلاب بورژوا دموکراتیک را با تشکیل مجلس مؤسسان سراسری و برپایی جمهوری دموکراتیک به پایان می‌رساند.

۲- باید تجربه مبارزات توده‌ای در سالهای ۱۹۰۷-۱۹۰۵ را، که درسهای گرانبهایی در تأیید صحت تاکتیکهای انقلابی سوسیال دموکراسی در بر داشته است، کاملاً مطالعه کند و بطور وسیع انتشار دهد.

۳- حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه باید خود را در جهت خطوطی که طی دوران انقلابی تکامل یافت، تحکیم بخشد؛ باید همچون گذشته مبارزه سرسختانه‌ای هم علیه حکومت استبدادی و طبقات ارتجاعی و هم علیه لیبرالیسم بورژوایی انجام گیرد؛ حزب باید علیه انحرافات از مارکسیسم انقلابی و علیه کوشش برای کم ارزش کردن شعارهای حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه، که هم اکنون تا حدی در بین بعضی عناصر حزبی منحط مشاهده می‌شود، مبارزه کند.

۴- مبارزه اقتصادی طبقه کارگر باید طبق قطعنامه‌های کنگره لندن و کنگره اشتوتگارت ((انترناسیونال دوم))، به هر طریق ممکن ارتقا داده شود.

۵- دوما و تریبون آن باید برای تبلیغ و ترویج سوسیال دموکراسی انقلابی مورد استفاده قرار گیرد.

۶- وظیفه طولانی آموزش، سازماندهی و انسجام توده‌های پرولتری آگاه به منافع طبقاتی خود، در درجه اول اهمیت قرار دارد. وظیفه بعدی ضرورت گسترش کار حزبی در بین دهقانان و ارتش به ویژه در شکل تبلیغ و ترویج کتبی است و با تأکید خاصی بر آموزش سوسیالیستی عناصر پرولتری و نیمه پرولتری در بین دهقانان و ارتش.

۷۸- در باره کار کمیته مرکزی

۱- کنفرانس، مصوبه کمیته مرکزی در مورد ایجاد ارگانی در روسیه را که دارای اعضای کمتری بوده و از کلیه حقوق پلنوم کمیته مرکزی برخوردار است، با توجه به وضعیت موجود تأیید میکند.

۲- به نظر کنفرانس، مسایل اصول تاکتیکی که دگر باره مطرح می‌شوند باید هرگاه که

ممکن است توسط پلنوم کمیته مرکزی مورد بررسی قرار گیرند، و تنها در موارد فوق العاده اضطراری توسط کمیته مرکزی تقلیل یافته حل می شود.

۳- کنفرانس، کمیته مرکزی را موظف می سازد که از طریق مسافرتها مرتب تر اعضای کمیته مرکزی، اعزام نمایندگان از طرف کمیته فرعی کمیته مرکزی در روسیه و بهبود مکاتبات، نظارت و روابطش را با سازمانهای محلی، ناحیه ای و سراسری تحکیم بخشد.

۴- نظر به اهمیت کار حزبی در خارج از کشور و همچنین نظر به برخوردهای شدید و مخالفت‌های اخلاص گرانه با کار کمیته مرکزی که در خارج مشاهده می شود -
کنفرانس وجود یک نهاد نمایندگی کل حزب را در خارج تحت عنوان «دفتر خارج از کشور کمیته مرکزی»، مفید و ضروری می داند.

۷۹- در باره مساله تشکیلاتی

...نظر به اینکه:

۱- گرچه پیروزی ضد انقلاب در لحظه کنونی باعث شده است که بخشی از کارگران متمایل به انقلاب ولی فاقد آگاهی سوسیالیستی کافی نسبت به حزب موقتاً بی تفاوت شوند، با این وجود حزب با وظیفه اساسی گسترش تبلیغ سیاسی و اقتصادی و همچنین گسترش کار تشکیلاتی در بین وسیع ترین لایه های توده های کارگر روبرو است؛

۲- این پیروزی ضد انقلاب با به تعویق انداختن اجرای شعارهای دموکراتیک حزب، به ترک کلیه آن عناصر روشنفکر ناپایدار و خرده بورژوا از صفوف حزب منجر شده است که عمدتاً به امید پیروزی قریب الوقوع انقلاب با جنبش کارگران همراه شده بودند؛

۳- شرایط سیاسی تغییر یافته، محدود ساختن فعالیت سوسیال دموکراتیک را در چارچوب سازمانهای کارگری علنی و نیمه علنی، هر چه بیشتر غیر ممکن می سازد؛

۴- افراد نهادهای رهبری حزب هرچه بیشتر با عناصر پرولتری آگاه، که آگاهی طبقاتی شان به واسطه تجربه سالهای انقلاب عمیق شده است، جایگزین می شود؛

۵- شرایط کنونی فعالیت، کاربرد کامل اصول تشکیلاتی دموکراتیک حزب را غیرممکن ساخته است -

کنفرانس بنابراین معتقد است که:

الف - حزب باید توجه ویژه ای به تقویت و استفاده از سازمانهای موجود غیر علنی، نیمه‌علنی و در صورت امکان علنی و ایجاد سازمانهای جدید مبذول دارد؛ این سازمانها میتوانند به عنوان نقاط اتکای قدرتمندی برای کار ترویجی، تبلیغی و تشکیلاتی عملی در بین توده‌ها در خدمت حزب باشند. میتینگهای کارخانه، محفلهای ترویجی، اتحادیه‌های کارگری غیرقانونی و قانونی، باشگاههای کارگران، انجمنهای آموزشی متعدد کارگران و غیره از جمله این سازمانها هستند. این کار در صورتی ممکن و با ثمر خواهد بود که اولاً در هر مؤسسه صنعتی یک کمیته کارگران وجود داشته که صرفاً از اعضای حزبی، حتی اگر تعداد آنها اندک باشد، تشکیل شود و به طور نزدیکی با توده‌ها در ارتباط باشد، و ثانیاً کلیه فعالیتهای سازمانهای علنی تحت هدایت سازمانهای حزبی غیر علنی انجام شود.

ب - برای متحد ساختن کوششهای حزب در سطح محلی، ضروری است که:

۱- در هر منطقه، مرکزی تشکیل شود که نه تنها پشتیبانی تکنیکی در اختیار سازمانهای محلی قرار می‌دهد، بلکه همچنین از لحاظ ایدئولوژیک نیز به آنها یاری می‌رساند و در صورت تلاشی شان آنها را بازسازی می‌کند؛

۲- نزدیک‌ترین ارتباطات بین سازمانهای محلی و منطقه‌ای و کمیته مرکزی برقرار شود.

ج - برای تضمین کاربرد صحیح و بدون وقفه سازمانهای محلی، کاربرد گاه‌گاه اصل کئوپتاسیون مجاز است، اما چنین اعضای جدیدی باید در اولین فرصت با رفقای که به طور قانونی و بر مبنای اساسنامه انتخاب شده‌اند، تعویض شوند. در مورد محتوای کار تشکیلاتی کنفرانس معتقد است که حزب علاوه بر تبلیغ سیاسی و اقتصادی مربوط به وضعیت کنونی... باید توجه ویژه‌ای به تعمیق دیدگاه سوسیال دموکراتیک محفلهای وسیع‌الفعالین حزبی و مخصوصاً به پرورش رهبران عملی و ایدئولوژیک جنبش سوسیال دموکراسی از بین صفوف کارگران مبذول دارد.

۸۰- درباره متحد ساختن سازمانهای ملی در سطح محلی

۱- کنفرانس، کمیته مرکزی را موظف می‌کند که جهت متحد ساختن سازمانهای محلی حزب ما در کلیه مناطقی که به رغم قطعنامه کنگره استکهلم ((یا وحدت)) این اتحاد هنوز عملی نشده است، اقداماتی به عمل آورد.

۲- در این مورد کنفرانس معتقد است که چنین اتحادی باید بر مبنای اصل اتحاد سازمانهای سوسیال دموکرات هر محل معین استوار باشد، و هرگونه اتحاد مبتنی بر اصل فدرالیسم را قاطعانه رد می کند.

* کنفرانس ششم (کنفرانس پراگ)

۱۷-۵ ژانویه ۱۹۱۲

کنفرانس ششم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه که به کنفرانس پراگ معروف است از ۵ تا ۱۷ ژانویه ۱۹۱۲ در پراگ برگزار شد. مجموعاً ۱۶ نفر با حق رأی در آن شرکت داشتند. کنفرانس ششم از اهمیت تاریخی ویژه ای برخوردار است، زیرا در این کنفرانس بود که منشویکها برای همیشه از حزب طبقه کارگر روسیه اخراج شده و حزب بلشویک با هویتی مستقل شکل گرفت. لنین نقش بسیار فعالی در تدارک مقدمات برگزاری این کنفرانس بر عهده داشته و سپس در طول برگزاری کنفرانس نیز بارها در جلسات مختلف آن سخنرانی کرد و تقریباً تمامی قطعنامه های کنفرانس را شخصاً نوشت (پیش نویس قطعنامه های لنین و متن سخنرانی های وی در کنفرانس در مجموعه آثار، جلد ۱۷، صفحات ۴۵۱ تا ۴۸۶ چاپ شده است).

کنفرانس پراگ ﴿...﴾

۹۴- تغییرات در اساسنامه تشکیلاتی حزب

۱۱ ژانویه ۱۹۱۲

جمله زیر به بند ۲ افزوده شود:
طبق تصمیمات کنفرانس دسامبر (۱۹۰۸)، کتوپتاسیون مجاز است.
بند ۸ حذف و به جای آن بند زیر قرار گیرد:
کمیته مرکزی کنفرانسهای نمایندگان کلیه سازمانهای حزبی را مرتباً برگزار می کند.

پاراگراف سوم بند ۹ در مورد چگونگی نمایندگی در کنگره به ترتیب زیر تغییر کند:
ضوابط نمایندگی در کنگره های آینده را کمیته مرکزی پس از مذاکرات مقدماتی با سازمانهای محلی، تعیین می کند.

۹۷- درباره خصلت و اشکال تشکیلاتی کار حزبی

با تصدیق اینکه تجربه سه سال گذشته مفاد اساسی قطعنامه کنفرانس دسامبر (۱۹۰۸) در مورد مساله تشکیلاتی را صریحاً تأیید کرده است؛ و با فرض بر اینکه احیای کنونی جنبش کارگری، تکامل بیشتر اشکال تشکیلاتی حزب در راستای همان خطوط را - یعنی ایجاد هسته های سوسیال دموکرات غیر علنی که به وسیله وسیع ترین شبکه ممکن انجمنهای کارگری علنی مختلف احاطه شده باشند - امکان پذیر خواهد ساخت -

۱- سازمانهای حزبی غیر علنی باید فعالانه در هدایت مبارزه اقتصادی (اعتصابات، کمیته های اعتصاب و غیره) و ایجاد همکاری بین هسته های حزبی غیر علنی و اتحادیه های کارگری - به ویژه با هسته های سوسیال دموکرات در اتحادیه های کارگری و همچنین با افراد مختلف در جنبش اتحادیه های کارگری - شرکت کنند؛

۲- مطلوب است هسته های سوسیال دموکرات در اتحادیه های کارگری، که بر مبنای شغلی سازماندهی شده اند، هر جا که شرایط محلی اجازه دهد در ارتباط با شاخه های حزبی، که بر مبنای منطقه ای سازماندهی شده اند، فعالیت کنند؛

۳- باید در زمینه های زیر، بیشترین ابتکار ممکن را به کار برد: سازماندهی کار سوسیال دموکراتیک در انجمنهای علنی از قبیل اتحادیه های کارگری، اطاقهای مطالعه، کتابخانه ها انواع انجمنهای تفریحی کارگران و غیره؛ پخش و رواج مجلات صنفی و راهنمایی نشریات اتحادیه های کارگری با روحیه مارکسیستی؛ استفاده از سخنرانیهای سوسیال دموکراتها در دوما؛ تربیت سخنرانان علنی از میان کارگران؛ برپایی کمیته های انتخاباتی کارگران و دیگر رأی دهندگان در هر محله، خیابان و غیره (در رابطه با انتخابات دومای چهارم)؛ انجام تبلیغات سوسیال دموکراتیک در طول انتخابات برای ارگانهای حکومت شهری و غیره؛

۴- باید اقدامات جدی برای تقویت و گسترش تعداد هسته های حزبی غیر علنی صورت پذیرد، اشکال تشکیلاتی جدید و بسیار انعطاف پذیری برای این هسته ها جستجو شود،

سازمانهای حزبی مخفی رهبری کننده در هر شهری ایجاد و تقویت شود، و لزوم اشکال تشکیلاتی توده ای مخفی مثل «کانونهای تبادل نظر» حزبی ((یعنی اشغال خیابان یا گردشگاهی در زمانی معین برای ملاقات اعضای حزب، کسب دستورات و تبادل نشریات))، نشستهای حزبی در کارخانه ها و غیره ترویج شود؛

۵- مطلوب است که محفلهای ترویجی ((مطالعاتی)) در کارهای عملی روزانه - مثل پخش نشریات غیر قانونی سوسیال دموکراتیک و آثار مارکسیستی قانونی و غیره - درگیر شوند؛

۶- باید بخاطر سپرد که تبلیغ کتبی منظم سوسیال دموکراتیک، بویژه چاپ و پخش منظم و مداوم یک روزنامه حزبی مخفی، می تواند در ایجاد ارتباطات تشکیلاتی چه در میان هسته های مخفی و چه در میان هسته های سوسیال دموکرات مخفی و انجمنهای علنی کارگران از اهمیت قابل توجهی برخوردار باشد.

۹۸- درباره انتخابات دومای دولتی چهارم

|

کنفرانس شرکت حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه را در مبارزات انتخاباتی آینده برای دومای چهارم، معرفی نمایندگان مستقل توسط حزب و تشکیل یک فراکسیون سوسیال دموکراتیک در دومای چهارم را که بعنوان بخشی از حزب تابع حزب بطور کلی است، مطلقاً ضروری می داند.

وظیفه عمده حزب در انتخابات و همچنین وظیفه عمده فراکسیون سوسیال دموکرات آینده در دوما - وظیفه ای که کلیه وظایف دیگر باید تابع آن قرار گیرند - ترویج طبقاتی سوسیالیستی و سازماندهی طبقه کارگر است.

شعارهای اصلی حزب ما در انتخابات آتی، باید به قرار زیر باشد:

۱- جمهوری دموکراتیک

۲- هشت ساعت کار روزانه

۳- مصادره کلیه زمینهای بزرگ.

در کلیه تبلیغات پیش از انتخاباتی ما، این خواستها باید با وضوح تمام و بر اساس تجربه

دومای سوم و حرکات حکومت در امور اجرایی مرکزی و محلی توضیح داده شود. کلیه فعالیتهای ترویجی در مورد خواستههای دیگر برنامه حداقل سوسیال دموکراسی - مثل حق رأی عمومی، آزادی اجتماعات، انتخاب قضاوت و مقامات توسط مردم، بیمه دولتی برای کارگران، جایگزینی ارتش دائمی با تسلیح مردم و غیره - باید بطور تفکیک ناپذیری با سه خواست فوق مرتبط شود.

||

خط تاکتیکی کلی حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه در انتخابات باید به قرار زیر باشد: حزب باید مبارزه بیرحمانه ای را علیه سلطنت تزاری و احزاب سرمایه داران و اشرافیت زمین دار پشتیبان آن به پیش برد و در عین حال نظرات ضد انقلابی و دموکرات نمای لیبرالهای بورژوا (به رهبری حزب کادت) را پیگیرانه افشا کند.

در مبارزات انتخاباتی باید بر جدا کردن موضع حزب پرولتاریا از کلیه احزاب غیر پرولتری، و توضیح ماهیت خرده بورژوایی سوسیالیسم دروغین گروههای دموکرات (به ویژه ترودویکها، نارودنیکها، و سوسیال رولوسیونرها) و همچنین ضربه ای که تزلزل آنها در امور مرتبط به مبارزه انقلابی پیگیر و توده ای بر آرمان دموکراسی وارد می کند، توجه خاصی مبذول شود.

در مورد توافقات انتخاباتی، حزب با وفاداری به تصمیمات کنگره لندن باید:

۱- کاندیداهای خود را در کلیه گروههای انتخاباتی کارگری معرفی کند و با احزاب یا گروههای دیگر (مثل انحلال طلبان) وارد هیچ توافقی نشود؛

۲- با توجه به اهمیت تبلیغی قابل توجه معرفی صرف کاندیداهای مستقل سوسیال دموکرات، کاندیداهای خود را در اجتماعات مرحله دوم نمایندگان گروههای انتخاباتی شهری و در صورت امکان در گروههای انتخاباتی دهقانان نیز معرفی کند؛

۳- در موارد پیش آمدن رأی گیری دوم (ماده ۱۰۶ قانون انتخابات) برای انتخاب کنندگان در اجتماعات مرحله دوم نمایندگان گروههای انتخاباتی شهری، می توان با احزاب بورژوا دموکراتیک علیه لیبرالها و سپس با لیبرالها علیه کلیه احزاب حکومتی به توافق رسید. یکی از اشکال توافق می تواند ارائه لیستهای مشترک انتخاب کنندگان برای یک یا چند شهر متناسب با تعداد آرای ریخته شده در مرحله اول انتخابات باشد؛

۴- در پنج شهر بزرگ (سن پترزبورگ، مسکو، ریگا، ادسا و کیف) که در آنها انتخابات مستقیم با پیش بینی رأی گیری دوم برگزار می شود، باید در انتخابات اول، کاندیداهای

مستقل سوسیال دموکرات برای گروه انتخاباتی دوم رأی دهندگان شهری معرفی شوند. در صورت پیش آمدن رأی گیری دوم در این شهرها، به علت نبودن هرگونه تهدیدی از جانب ((کاندیداهای احزاب)) باندهای سیاه، توافقها تنها با گروههای دموکرات علیه لیبرالها مجاز است؛

۵- هیچ توافق انتخاباتی نمی تواند پلاتفرم مشترکی ارائه دهد، یا اینکه هرگونه تعهدات سیاسی را بر کاندیداهای سوسیال دموکرات تحمیل کند و یا در انتقادات قاطعانه سوسیال دموکراتها در مورد ماهیت ضد انقلابی لیبرالیسم و تزلزل و ناپیگیری دموکراتهای بورژوا، مانعی ایجاد کند.

۶- هرگاه که شکست دادن لیست ((کاندیداهای)) اکتبرستی و باندهای سیاه و یا حکومت بطور کلی، در مرحله دوم انتخابات (در اجتماعات منطقه ای نمایندگان، در اجتماعات انتخاباتی گوبرنیا و غیره) ضروری شود، باید در مورد تقسیم کرسیهای نمایندگی، ابتدا با احزاب بورژوا دموکراتیک (ترودویکها، سوسیالیستهای مردمی و غیره) و سپس با لیبرالها، افراد غیر حزبی، ترقی خواهان و غیره، توافق حاصل کرد.



کلیه سوسیال دموکراتها باید بلافاصله تدارک برای مبارزه انتخاباتی را به عهده گیرند و بدین منظور توجه خاصی به موارد زیر مبذول دارند:

۱- هسته های مخفی سوسیال دموکرات باید فوراً در همه جا تشکیل شوند تا بدون تأخیر بیشتر، تدارکات برای مبارزه انتخاباتی سوسیال دموکراسی را آغاز کنند؛

۲- باید به تقویت و گسترش مطبوعات قانونی کارگران توجه لازم مبذول شود؛

۳- کلیه فعالیتهای انتخاباتی باید در ارتباط نزدیک با اتحادیه های صنفی کارگران و با انجمنهای کارگری دیگر انجام گیرد، و در تعیین روش شرکت آنها در این فعالیتهای، قانونی بودن آنها باید در نظر گرفته شود؛

۴- باید برای تدارک تشکیلاتی و تبلیغاتی جهت انتخابات در گروههای انتخاباتی کارگری شش گوبرنیای (سن پترزبورگ، مسکو، ولادیمیر، کستروما، یکاترینوسلاو و خارکف)، که در آنها باید نماینده ای از گروههای انتخاباتی کارگری برای دوما انتخاب شود، توجه خاصی مبذول شود. کلیه انتخاب کنندگان کارگر در این و دیگر گوبرنیاها باید بدون استثنا اعضای حزب سوسیال دموکرات باشند؛

۵- مجامع نمایندگان کارگران باید، با کسب رهنمون از سازمانهای حزبی مخفی، تعیین کنند که دقیقاً چه کسی از گروه انتخاباتی کارگران برای دوما انتخاب شود، و کلیه انتخاب کنندگان را وادار سازند که کاندیداهای خود را به نفع کاندیدای حزب کنار بکشند - و در صورت سرپیچی، تحریم شده و به جرم خیانت محاکمه شوند؛

۶- نظر به سیاست آزار و تعقیب حکومت، دستگیری کاندیداهای سوسیال دموکرات و غیره، ضروری است که به شیوه ای کاملاً صبورانه، سیستماتیک و با دقت و احتیاط عمل کرد، از هر وسیله ای برای عکس العمل سریع در مقابل کلیه تاکتیکهای پلیس استفاده شود، کلیه نیرنگها و حرکات خشن حکومت تزاری خنثی شود و سوسیال دموکراتها به دومای دولتی چهارم انتخاب شوند و نتیجتاً گروه نمایندگان دموکرات در این دوما بطور کلی تقویت شود؛

۷- سازمانها و گروههای مخفی حزب در محل، تحت نظارت و هدایت کلیه کمیته مرکزی حزب، کاندیداهای حزب سوسیال دموکرات را تأیید و رهنمودهای انتخاباتی صادر کنند؛

۸- اگر به رغم تمام تلاشها، برگزاری کنگره حزبی یا کنفرانس جدیدی پیش از انتخابات دومای چهارم میسر نشود، این کنفرانس به کمیته مرکزی یا به هر نهاد دیگری که تعیین خواهد کرد، اختیار می دهد که درباره پیش برد مبارزه انتخاباتی در هر ناحیه و یا طبق شرایط خاصی که ممکن است پیش آید و غیره، دستورهای مشخصی صادر کند.

۱۰۰- درباره روش برخورد به طرح قانونی دوما

در مورد بیمه دولتی کارگران

۱ ...

۲- بهترین شکل بیمه کارگران، بیمه دولتی است که بر مبنای زیر استوار باشد:

الف - باید کارگران را در مقابل کلیه موارد از دست دادن قدرت کسب درآمد (تصادفات، بیماری، پیری، ناتوانی دائم؛ دوران بارداری و وضع حمل برای زنان؛ غرامت ناشی از مرگ نان آور به بیوه گان و یتیمان) و همچنین در مقابل ازدست دادن درآمد به علت بیکاری، بیمه کند؛

ب - بیمه باید کلیه مزدگیران و خانواده آنان را تحت پوشش قرار دهد؛

ج - به کلیه افراد بیمه شده باید بر اساس اعاده تمام مزدشان تاوان پرداخت شود و کلیه

هزینه های بیمه به عهده کارفرمایان و دولت باشد؛

د - تمام اشکال بیمه، باید توسط سازمانهای بیمه یکسان از نوع منطقه ای، که بر اصل مدیریت کامل بوسیله بیمه شدگان مبتنی هستند، اداره می شوند.

۳- کلیه الزامات بنیادی فوق برای تهیه یک نظام بیمه معقول، با طرح قانونی حکومت که دومای دولتی آنرا مورد پذیرش قرار داده است، صریحاً در تضاد است؛ این قانون بیمه حکومتی:

- الف - تنها شامل دو نوع بیمه است - بیمه در مقابل تصادفات و بیمه در مقابل بیماری؛
- ب - تنها بخش کوچکی از پرولتاریای روسیه را تحت پوشش قرار می دهد، و مناطق وسیعی از کشور (مثل سیبری و همچنین قفقاز، طبق نظر حکومت)، و همچنین گروههای بزرگی از کارگران را، که مشخصاً به بیمه احتیاج دارند (مثل کارگران کشاورزی، ساختمانی، راه آهن، پست و تلگراف، فروشندگان مغازه ها و غیره) خارج از نظام بیمه قرار می دهد؛
- ج - سطح نازلی برای پرداخت تاوان در نظر گرفته است (حداکثر تاوان برای ناتوانی ناشی از آسیب دیدگی، دو سوم میزان دستمزد است و این نیز بر پایه ای محاسبه می شود که از درآمدهای واقعی پایین تر است) و در عین حال قسمت عمده هزینه های بیمه را به دوش کارگران می گذارد...؛
- د - مؤسسات بیمه را از هرگونه استقلالی محروم کرده است و آنها را تحت نظارت شدید بوروکراتها، ژاندارمها، پلیس و مدیران قرار می دهد ...

||

بر اساس آنچه که گفته شد، کنفرانس مقرر می دارد که:

- ۱- سازمانهای حزبی غیر علنی و همچنین رفقای که در سازمانهای علنی (اتحادیه های کارگری، باشگاهها، تعاونیها و غیره) کار می کنند، وظیفه عاجل دارند که تبلیغات وسیعی را علیه طرح قانون بیمه ارائه شده به دوما بسط و گسترش دهند، زیرا که این طرح منافع طبقاتی کل پرولتاریای روسیه را تحت تأثیر قرار داده و آنرا به خشن ترین وجهی نقض میکند.
- ۲- از نظر کنفرانس تأکید این نکته ضروری است که سوسیال دموکراسی در تبلیغات خود در مورد طرح قانون بیمه، باید بکوشد تا آنرا با موقعیت طبقاتی پرولتاریا در جامعه سرمایه داری معاصر، با نقد توهمات بورژوازی که توسط سوسیال فرمیستها رواج داده

می‌شود، و با وظایف سوسیالیستی اساسی ما بطور کلی، پیوند دهد؛
از سوی دیگر، این تبلیغات باید ماهیت «رفرم» دوما را با وضعیت سیاسی کنونی و با
وظایف و شعارهای انقلابی دموکراتیک ما به طور کلی مرتبط سازد.

۳- کنفرانس در حالی که از رأی منفی فراکسیون سوسیال دموکرات در دوما در مورد
طرح قانون بیمه کاملاً پشتیبانی می‌کند، توجه رفقا را به منابع وسیع و پر ارزشی که
مباحثات دوما در اختیار می‌گذارد و موضع طبقات را نسبت به رفرم کارگری روشن
میسازد، جلب می‌کند...

۴- کنفرانس نسبت به کلیه تلاشهایی که با محدود ساختن تبلیغات سوسیال دموکراتیک در
چارچوب قانونی که دوره کنونی تسلط نیروهای ضد انقلاب مجاز دانسته، در صدد مخدوش یا
منحرف ساختن این تبلیغات هستند، شدیداً به کارگران هشدار می‌دهد؛ برعکس کنفرانس
تأکید می‌کند که موضوع اصلی در این تبلیغات باید توضیح این حقیقت به توده های وسیع
پرولتری باشد که بدون یک خیزش انقلابی جدید، هیچگونه امکان بهبود واقعی در وضعیت
کارگران وجود ندارد؛ و اینکه هر کس که خواهان ایجاد رفرم واقعی کارگری است، باید قبل از
هر چیز برای انقلاب پیروزمند جدیدی مبارزه کند.

۵- در صورتی که، به رغم اعتراضات پرولتاریای آگاه، این طرح از تصویب دوما بگذرد،
کنفرانس از رفقا می‌خواهد تا از اشکال تشکیلاتی جدیدی که این قانون ایجاد می‌کند
(مثل صندوق بیماری کارگران)، برای پیشبرد ترویج مؤثر عقاید سوسیال دموکراسی در آنها
استفاده کنند؛ و بدین ترتیب قانونی را که به منظور سرکوب پرولتاریا و تحمیل قید و بندهای
جدیدی بر آن تدبیر شده است، به سلاحی برای رشد آگاهی طبقاتی پرولتاریا، نیرومند کردن
بیشتر آن از لحاظ تشکیلاتی و شدت بخشیدن مبارزه اش برای آزادی کامل سیاسی و
سوسیالیسم تبدیل سازند.

۱۰۲- درباره انحلال طلبی و گروه انحلال طلبان

نظر به اینکه:

۱- حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه برای مدت تقریباً چهار سال قاطعانه علیه گرایش
انحلال طلبی مبارزه کرده است...

۲- در ادامه مبارزه علیه این گرایش، پلنوم کمیته مرکزی در ژانویه ۱۹۱۰ آنرا به اتفاق آرا تجلی نفوذ بورژوازی بر پرولتاریا اعلام کرد، و گسست کامل از انحلال طلبی و غلبه نهایی بر این انحراف بورژوازی از سوسیالیسم را پیش شرط اتحاد واقعی حزب و ادغام جناحهای بلشویک و منشویک پیشین، تعیین کرد؛

۳- به رغم کلیه تصمیمات حزب و به رغم تعهدات پذیرفته شده توسط نمایندگان کلیه جناحها در پلنوم ژانویه ۱۹۱۰، بخشی از سوسیال دموکراتها، که حول نشریات «ناشازاریا» و «دیلوژینزی» (Delo Zhizni) جمع شده اند، آشکارا از جریانی دفاع می کنند که کل حزب آنرا به مثابه محصول نفوذ بورژوازی بر پرولتاریا تشخیص داده است؛

۴- اعضای پیشین ((منشویک)) کمیته مرکزی - میخائیل یوری و رومان - نه تنها در بهار ۱۹۱۰ از پیوستن به ((هیات اعضای داخل روسیه)) کمیته مرکزی خودداری کردند، بلکه حتی از حضور در یک نشست هم برای عضوگیری جدید سر باز زدند و صریحاً اعلام داشتند که وجود خود کمیته مرکزی حزب را «زیان آور» می دانند؛

۵- نشریان انحلال طلب عمده فوق الذکر - یعنی «ناشازاریا» و «دیلوژینزی» - دقیقاً پس از پلنوم ۱۹۱۰، سیاست انحلال طلبی را در تمام جنبه هایش بطور قطعی اتخاذ کردند و (به رغم قطعنامه های پلنوم) نه تنها «اهمیت حزب مخفی را بی ارزش دانسته»، بلکه صریحاً خود حزب را رد کردند؛ اظهار داشتند که حزب دیگر «از بین رفته» و قبلاً منحل شده است؛ احیای حزب مخفی را «اتویپای ارتجاعی» توصیف کردند و در صفحات نشریات قانونی حزب را مورد دشنام و ناسزا قرار دادند، و از کارگران خواستند که هسته های حزبی و سلسله مراتب آنها را «منسوخ» بدانند و غیره؛

۶- درست در زمانی که اعضای حزب در سراسر روسیه، بدون توجه به جناح بندی، کوششهای خود را برای وظیفه فوری برگزاری کنفرانس حزبی هماهنگ کرده اند، انحلال طلبان خود را در گروههای کاملاً مستقل مجزا ساخته و حتی در مناطق تحت تسلط منشویکها (یکاترینوسلاو و کیف) از هم جدا شده اند، و از برقراری هرگونه ارتباطات حزبی با سازمانهای محلی حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه، خودداری می ورزند -

بنابراین کنفرانس اعلام میکند که گروه «ناشازاریا» و «دیلوژینزی» به واسطه رفتارشان، خود را بطور قطع در خارج از حزب قرار داده است.

کنفرانس از کلیه اعضای حزب می خواهد که، بدون توجه به گرایش یا اختلاف نظرشان، علیه انحلال طلبی مبارزه کنند، دامنه زیانبار آنرا برای آرمان رهایی طبقه کارگر توضیح

دهند و همه توان خود را در راه بازسازی و تحکیم حزب کارگر سوسیال دموکرات مخفی بکار گیرند.

۱۰۳- درباره تشکیلات حزب در خارج از کشور

۱۰ ژانویه ۱۹۱۲

کنفرانس وجود تشکیلات حزبی واحدی را در خارج از کشور که تحت نظارت و هدایت کمیته مرکزی به حزب یاری رساند، مطلقاً ضروری میدانند.

کنفرانس بدین وسیله «کمیته سازمانهای خارج از کشور» را به عنوان یکی از سازمانهای حزب در خارج تأیید می کند و از کلیه عناصر حزبی، بدون توجه به گرایش یا جناح بندی، که از وجود حزب مخفی پشتیبانی به عمل آورده و با گرایشهای ضد حزبی (انحلال طلبی) بیرحمانه مبارزه میکنند، درخواست دارد که حول کمیته مرکزی متحد شوند تا حزب را برای انجام کارهایش در داخل روسیه و ایجاد تشکیلات واحدی در خارج از کشور یاری رسانند.

کلیه گروههای خارج از کشور باید بدون استثنا، تنها از طریق کمیته مرکزی با سازمانهای داخل روسیه ارتباط برقرار کنند.

کنفرانس بدین وسیله اعلام می دارد گروههای خارج از کشوری که از مرکز فعالیت سوسیال دموکراتیک در روسیه، یعنی از کمیته مرکزی، تبعیت نمی کنند، و با برقراری ارتباطات مستقل از کمیته مرکزی با روسیه، باعث اختلال تشکیلاتی می شوند، نمی توانند از نام حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه استفاده کنند.

*** نشست کمیته مرکزی در کراکو**

۲۶ دسامبر ۱۹۱۲-۱ ژانویه ۱۹۱۳

مبارزات طبقه کارگر روسیه در سال ۱۹۱۲ اوج تازه ای یافته بود و روسیه بار دیگر به دوران اعتلای انقلابی گام می نهاد. مساله تحلیل وضعیت جاری و تعیین وظایف حزب

میبایست در دستور کار قرار گیرد. نشست کمیته مرکزی در کراکو اساساً به همین منظور فرا خوانده شد. این نشست که لنین مقدمات برگزاری آن را فراهم کرده بود، از ۲۶ دسامبر ۱۹۱۲ تا ۱ ژانویه ۱۹۱۳ در کراکو (لهستان) برگزار شد و مجموعاً ۱۴ بلشویک در آن حضور داشتند. نشست کراکو اولین نشستی بود که پس از کنفرانس ششم (کنفرانس پراگ) و اخراج منشویکها از حزب برگزار می شد و در واقع نشستی کاملاً بلشویکی بود. این نشست به دلایل مخفی کاری، به نشست فوریه نیز معروف است.

تمام قطعنامه هایی که در نشست کراکو به تصویب رسید توسط لنین تهیه شده بود (متن کامل پیش نویسهای این قطعنامه ها در مجموعه آثار، جلد ۱۸، صفحات ۷۶-۴۴۷ چاپ شده است). مصوبات ﴿...﴾

۱۱۵- درباره اعتلای انقلابی، اعتصابات و

وظایف حزب

۱- واقعیت عمده در تاریخ جنبش کارگری و انقلاب روسیه در ۱۹۱۲، گسترش قابل توجه جنبش اعتصابی اقتصادی و سیاسی پرولتاریا است. شمار اعتصاب کنندگان سیاسی به یک میلیون رسیده است.

۲- خصلت جنبش اعتصابی در ۱۹۱۲ شایان توجه ویژه است. در بسیاری موارد کارگران خواستهای اقتصادی و سیاسی را با هم مطرح ساختند؛ موج اعتصابات اقتصادی به موجی از اعتصابات سیاسی تبدیل شد و سپس عکس آن رخ داد. مبارزه با سرمایه داران برای بازگرداندن دستاوردهای ((انقلاب)) ۱۹۰۵، که توسط ضد انقلاب پس گرفته شده بود، و هزینه در حال افزایش زندگی، بخشهای جدیدی از کارگران را بیدار کرده و آنان را با مسایل سیاسی، در حادترین شکل خود، مواجه ساخت. کلیه این اشکال گوناگون تلفیق و درهم آمیختگی مبارزه اقتصادی و سیاسی، پیش شرط و ضامن قدرت جنبش بوده و به موجی از اعتصابات انقلابی عمومی منجر می شود.

۳- آغاز انفجار نارضایتیها و شورشها در نیروی دریایی و ارتش، که نقطه اوج سال ۱۹۱۲ بود، بدون شک با اعتصابات انقلابی عمومی کارگران ارتباط داشت؛ این امر نشانه ایست از نارضایتی و خشم فزاینده در بین محافل وسیع دموکراتیک و به ویژه در بین دهقانان که منبع

اصلی تأمین سرباز هستند.

۴_ کلیه واقعیات فوق به همراه چرخش عمومی به سوی چپ در کشور، که به رغم بیش‌رمانه‌ترین تدابیر حکومت تزاری باندهای سیاه، اثرات خود را بر انتخابات دومای چهارم بر جای گذاشت، نهایتاً مبین آن بود که روسیه دوباره وارد دوران مبارزه انقلابی آشکار توده‌ها می‌شود. انقلاب جدیدی که اولین مرحله‌اش را هم اکنون تجربه می‌کنیم، نتیجه ناگزیر ورشکستگی سیاستهای ((کودتای)) سوم ژوئن ((۱۹۰۷)) تزار است. این سیاست نتوانست حتی متملق‌ترین بخش بورژوازی بزرگ را خشنود کند، ضمن آنکه توده‌های مردم و به ویژه ملیتهای تحت ستم هر چه بیشتر از حقوق خویش محروم شدند و میلیونها دهقان بار دیگر به گرسنگی افتادند.

۵_ تحت چنین شرایطی، اعتصابات انقلابی عمومی از اهمیت استثنایی برخوردار است، زیرا یکی از مؤثرترین وسایل برای غلبه بر بی‌تفاوتی، یأس و پراکندگی پرولتاریای روستا و دهقانان، و برای برانگیختن حرکات خود انگیخته سیاسی آنان و جلب شان به سوی اقدامات انقلابی وسیع‌تر، هماهنگ‌تر و همزمان‌تر، است.

۶_ سازمانهای حزبی باید ضمن توسعه و تشدید تبلیغاتشان برای تحقق خواستهای حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه - یعنی جمهوری دموکراتیک، هشت ساعت کار روزانه و مصادره کلیه زمینهای بزرگ به نفع دهقانان -، پشتیبانی همه‌جانبه از اعتصابات انقلابی عمومی و همچنین گسترش و سازماندهی کلیه اشکال عمل انقلابی توسط توده‌ها را در زمره الویتهای عمده فعالیت‌های خود قرار دهند. سازماندهی تظاهرات انقلابی خیابانی، چه بعنوان حرکاتی توأم با اعتصابات سیاسی و چه بعنوان حرکاتی مستقل، به مثابه یک وظیفه فوری حزب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۷_ توسل بعضی از سرمایه‌داران به تعطیل کارخانه (اخراج دسته‌جمعی) برای مقابله با اعتصاب کنندگان، طبقه کارگر را با وظایف جدیدی روبرو می‌سازد، ضروری است که شرایط اقتصادی موجد اعتصاب در هر ناحیه، در هر شاخه صنایع و در هر مورد خاصی دقیقاً مورد توجه قرار گیرد؛ شیوه‌های جدیدی (مثل اعتصاب ایتالیایی ((بست نشستن))) برای مقابله با تعطیل کارخانه به کار گرفته شود؛ و اعتصابات سیاسی جایگزین جلسات انقلابی و تظاهرات خیابانی انقلابی شود.

۸_ برخی نشریات قانونی صرف نظر از عقایدشان نسبت به هر اعتصاب مشخص، علیه اعتصابات انقلابی عمومی بطور کلی تبلیغات می‌کنند. این تبلیغات نه تنها در نشریات

لیبرالی مطرح می شود، بلکه بعنوان مثال، گروهی از انحلال طلبان نیز در روزنامه لوچ (Luch)، به رغم نظرات بخش قابل توجهی از کارگرانی که به طریقی از این روزنامه حمایت می کنند، چنین تبلیغاتی را مطرح می سازند. بنابراین کلیه فعالین حزبی سوسیال دموکرات وظیفه دارند که: ۱- علیه این گروه قاطعانه به مبارزه بپردازند؛ ۲- دامنه وسیع صدمات ناشی از این مواعظ را بطور سیستماتیک و پیگیر به تمام کارگران، صرف نظر از گرایش آنان، توضیح دهند؛ ۳- و تمام نیروهای پرولتری را برای گسترش بیشتر تبلیغات انقلابی و عمل انقلابی عمومی دور هم جمع کنند.

۱۱۹- درباره مبارزه برای بیمه

با توجه به اینکه طبقه کارگر و حزب آن، به رغم همه سختیها، توان شایانی در دفاع از منافع پرولتری در مورد اعمال قوانین بیمه از خود نشان داده اند - این نشست معتقد است که:

۱- باید علیه تلاشهای حکومت و سرمایه داران که با منع نشستهای کارگری، کارگران را به انتخاب کورکورانه نمایندگان خود برای صندوقهای بیماری وادار می کنند، با بیشترین قاطعیت و یکپارچگی مبارزه کرد.

۲- کارگران باید در همه جا بکوشند تا برای معرفی مقدماتی افرادی که می خواهند کاندیدای نمایندگی آنان باشند، نشستهای غیرمجاز برگزار کنند.

۳- کارگران باید با برگزاری نشستهای انقلابی، علیه خشونت و استهزایی که با اجرای قوانین بیمه همراه بوده است، اعتراض کنند.

۴- در هر مورد، ضروری است که از پیش لیستی از کاندیداهای نمایندگی کارگران از بین پرنفوذترین کارگران سوسیال دموکرات تهیه شود، و این لیست را همچنین در جاهایی که نمیتوان نشستهای مقدماتی برگزار کرد با کوششهای هماهنگ در پیش نهاد.

۵- این نشست تحریم انتخابات نمایندگان را غیر مقتضی و زیان آور می داند. در حال حاضر سرمایه داران عمدتاً تلاش می کنند تا کارگران را از به دست گرفتن کنترل بعضی واحدهای پرولتری کارخانه ها - واحدهایی که صندوقهای بیماری کارگران باید بدانها تبدیل شو نشوند - باز دارند. تحریم انتخابات در حال حاضر با ایجاد انفکاک در بین کارگران تنها به

نفع تلاشهای سرمایه داران تمام خواهد شد.

۶- در مبارزه برای انتخاب صحیح نمایندگان به صندوقهای بیماری نباید حتی برای لحظه‌ای وقفه ایجاد شود. در حالیکه با کلیه منابع مادی و انسانی از هر فرصت مناسب استفاده می‌شود، و به کارفرمایان اجازه داده نمی‌شود که حتی برای لحظه‌ای تصور کنند که جریان عادی تولید ادامه خواهد یافت، و در حالیکه مبارزه کارگران رشد و گسترش داده میشود - در عین حال، فعالیت برای پشتیبانی از فهرست سوسیال دموکراتها باید، به رغم کلیه موانع، ادامه یابد. انتخابات مبارزه را از رشد بیشتر باز نمی‌دارد. برعکس، ما با انتخاب کارگران سوسیال دموکرات ثابت قدم برای نمایندگی، مبارزه آتی برای انتخابات صحیح را آسان خواهیم کرد - مبارزه‌ای که طی آن نمایندگان تا حد امکان از کارگران پشتیبانی خواهند کرد.

۷- در تمام جاهایی که انتخابات بدون نشستهای ((مقدماتی کارگری)) برگزار می‌شود، ضروری است که با استفاده از کلیه امکانات در دسترس کارگران برای انتخاب مجدد نمایندگان بر اساس نشستهای کارگری و انتخابات واقعاً آزاد تبلیغ شود.

۸- فراکسیون سوسیال دموکرات در دوما باید در مورد منع نشستهای انتخاباتی کارگران بیدرنگ دولت را استیضاح کند.

۹- کلیه تبلیغات درباره اجرای ((قوانین)) بیمه باید بطور تنگاتنگی با تشریح وضعیت کلی در روسیه تزاری ارتباط داده شود، ضمن اینکه اصول سوسیالیستی و خواستهای انقلابی ما نیز باید توضیح داده شوند.

* نشست کمیته مرکزی در پورونین

۲۳ سپتامبر - ۱ اکتبر ۱۹۱۳

نشست پورونین که به دلایل پنهانکاری به نشست «تابستان» یا «اوت» معروف بوده است، از تاریخ ۲۳ سپتامبر تا ۱ اکتبر ۱۹۱۳ در روستای پورونین (نزدیک کراکو در لهستان) برگزار شد.

مجموعاً ۲۲ نفر از بلشویکها در آن حضور داشتند: ۴ عضو کمیته مرکزی، ۵ نماینده

بلشویک در دوما، ۴ نفر از سوسیال دموکراتهای لهستان و کروپسکایا بعنوان منشی کمیته مرکزی. بعدها معلوم شد که ۲ تن از شرکت کنندگان در این نشست یعنی مالینوفسکی و لویف از عوامل پلیس مخفی تزاری بودند.

رهبری نشست پورونین را لنین شخصاً در دست داشت. نشست با نطق لنین کار خود را آغاز کرد و سپس درباره مسایل گوناگون از جمله جنبش اعتصابی، ﴿...﴾

۱۲۱- در باره جنبش اعتصابی

...

۴- نشست معتقد است که جنبش به نقطه ای رسیده که سازماندهی یک اعتصاب عمومی سیاسی را باید مورد توجه قرار داد. تبلیغ سیستماتیک برای تدارک این اعتصاب باید بلافاصله در همه جا آغاز شود.

۵- شعارهای این اعتصاب سیاسی که باید وسیعاً پخش شود، باید خواستهای انقلابی اساسی جنبش باشد: یعنی جمهوری دموکراتیک، هشت ساعت کار روزانه، مصادره زمینهای بزرگ.

۶- این نشست از کلیه فعالین حزبی محلی می خواهد که تبلیغات کتبی را گسترش داده و بین سازمانهای کارگری سیاسی و غیره در شهرهای مختلف نزدیک ترین و صحیح ترین روابط ممکن را برقرار سازند. باید در درجه اول توجه خاصی به حصول توافق بین کارگران مسکو و سن پترزبورگ مبذول شود، تا اینکه اعتصابات سیاسی - که ممکن است به دلایل مختلفی (از جمله توقیف مطبوعات کارگری، اعتصابات برای بیمه و غیره) شروع شود - تا حد امکان بطور همزمان در دو پایتخت رخ دهد.

* دفتر روسیه کمیته مرکزی

۲۸ فوریه - ۲۲ مارس ۱۹۱۷

واژگونی تزاریسم و پیروزی انقلاب بورژوا دموکراتیک فوریه ۱۹۱۷، به ایجاد شورای

نمایندگان کارگران و سربازان یعنی ارگان دیکتاتوری دموکراتیک انقلابی کارگران و دهقانان از یک سو، و حکومت موقت یعنی ارگان دیکتاتوری بورژوازی از سوی دیگر منجر شد. بدین ترتیب قدرت دوگانه ای در روسیه پدید آمد. مساله برخورد حزب طبقه کارگر به حکومت موقت سرنوشت انقلاب روسیه را تعیین می کرد. منشویکها و اس ارها انقلاب روسیه را تمام شده ارزیابی کرده و معتقد به پشتیبانی از حکومت موقت و شرکت در آن بودند. در چنین وضعیتی موضع گیریهای رهبری داخل روسیه بلشویکها نسبت به حکومت موقت و کلاً مسایل اساسی انقلاب روسیه در این مرحله اهمیت حیاتی داشت.

با توجه به اینکه اغلب رهبران اصلی بلشویکها از جمله لنین یا در خارج به سر برده و یا در تبعید بودند، رهبری بلشویکها در این موقع به عهده «دفتر روسیه کمیته مرکزی» قرار داشت که شلیاپنیکف (Shliapnikov)، مولوتف (Molotov) و زالوتسکی (Zalutsky) عضو آن بودند. موضع گیریهای این دفتر همیشه از پیگیری لازم برخوردار نبود و اصولاً تا بازگشت لنین به روسیه در ۳ آوریل ۱۹۱۷ رهبری بلشویکها در داخل روسیه از قاطعیت انقلابی برخوردار نبود.

اسنادی که در این بخش ترجمه شده اند، منتخبی از موضع گیریهای دفتر روسیه کمیته مرکزی در فاصله ۲۸ فوریه تا ۲۲ مارس ۱۹۱۷ است و اغلب در روزنامه پراودای همان زمان چاپ شدند. مطالعه ﴿...﴾

در تاریخ هفتم و هشتم مارس تعدادی اعضای جدید به دفتر اضافه شدند و این امر باعث میشود که موضع گیری آن در مورد حکومت موقت تغییر کند (سند ۱۳۶). ولی ﴿...﴾

۱۳۵ - ((دوباره برخورد به شوراها))

۸ مارس ۱۹۱۷

در مورد مساله برخورد به شوراها نمایندگان کارگران و سربازان اشاره شد که بخاطر قدرت فعلی شوراها لازم است که از آنها به مثابه نهادی که می تواند و می باید حکومت انقلابی موقت را ایجاد کند، حمایت کرد. همچنین اشاره شد که کمیته اجرایی ((شورای پتروگراد)) بسیار اپورتونیست تر از خود شورا است، و از این جهت بهتر است که دوباره انتخاب شده و

گسترش یابد. اعضای کمیته اجرایی شورا آنچه را که در این مورد انجام شده گزارش داده اند؛ ولی چون این مساله هنوز به وسیله کمیته اجرایی و یا شورا حل نشده است، پیشنهاد میشود که رفقای بلشویک سوسیال دموکرات از هر کوششی برای اعمال فشارهای لازم بر شورا در این جهت فرو گذار نکنند ((در ۹ مارس کمیته اجرایی به این مناسبت سوسیال رولوسیونرها، منشویکها و بلشویکها را مجاز ساخت که هر یک سه نماینده اضافی انتخاب کنند)).

۱۳۶- ((درباره روابط بین شورای نمایندگان

کارگران و سربازان و حکومت موقت))

۹ مارس ۱۹۱۷

قطعنامه پیشنهادی کمیته اجرایی ((در ۸ مارس، و در مورد برقراری پیوند رسمی با حکومت موقت و تشکیل یک هیات نظارت ویژه و یا کمیسیون ارتباطی که برای برخی اصلاحات اعمال فشار کند و عمدتاً بر اعمال حکومت بورژوازی ناظر باشد)) خوانده شد. این قطعنامه چون روابط متقابل رسمی معینی ((بین شورا و حکومت موقت)) ایجاد می کند، کاملاً مردود است. در بحث مشهود بود که تمامی اعضای دفتر، حمایت از حکومت موقت را ناممکن می دیدند. ولی مخالفت جدی با آن نیز مناسب به نظر نمی آید، چون در دست گرفتن مسئولیت حاکمیت هم غیر ممکن است.

به علاوه اشاره شد که از نظر ما نیروها به دو گروه تقسیم می شوند. نیروهای پیش برنده انقلاب و نیروهای بازدارنده آن. شورای نمایندگان کارگران و سربازان در گروه اول، و حکومت موقت در گروه دوم قرار دارد. چون داشتن موقعیتی برای اعمال فشار مداوم بر حکومت لازم است، ضوابط و یا روابط رسمی نباید برقرار شود... (۲) هدف ما تبدیل شورای نمایندگان کارگران و سربازان به شورای سراسری نمایندگان کارگران و سربازان ((روسیه)) است. (۳) ضروری است که برای حکومت انقلابی موقت ((یعنی دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان)) مبارزه شود.

* کنفرانس سراسری هفتم

کنفرانس آوریل

۲۹-۲۴ آوریل ۱۹۱۷

کنفرانس هفتم یا کنفرانس آوریل حزب بلشویک از ۲۴ تا ۲۹ آوریل ۱۹۱۷ در پتروگراد برگزار شد و ۱۳۳ نفر با حق رأی و ۱۸ نفر با نظر مشورتی به نمایندگی از هشتاد هزار عضو حزب در آن حضور داشتند. کنفرانس مسایل زیر را مورد بررسی قرار داد: وضعیت جاری (حکومت موقت و جنگ)، شوراها، تجدید نظر در برنامه حزب، مساله ارضی، وضع انترناسیونال، مساله ملی و غیره.

برگزاری کنفرانس هفتم و مصوبات انقلابی آن پیروزی بزرگی برای لنینیسم محسوب میشود. لنین در این کنفرانس موفق شد تا تزه‌های آوریل خود را به حزب بقبولاند. اغلب قطعنامه‌های این کنفرانس را لنین نوشت و گزارشهایی درباره وضعیت جاری، مساله ارضی و تجدید نظر در برنامه حزب به کنفرانس ارائه داد. لنین ﴿...﴾

۱۵۴- درباره روش برخورد به حکومت موقت

۲۷ آوریل ۱۹۱۷

کنفرانس سراسری حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه معتقد است که:

۱- حکومت موقت بنا بر خصلت ((طبقاتی)) اش ابزار حاکمیت اشرافیت زمیندار و بورژوازی است؛

۲- حکومت موقت و طبقاتی که این حکومت نماینده آنها است، چه از نظر اقتصادی و

چه سیاسی، به نحوی تفکیک ناپذیر وابسته به امپریالیسم روسیه و انگلیس - فرانسه است؛

۳- حکومت موقت فقط قسمتی از برنامه اعلام شده خود را، و آن هم تنها تحت فشار

پرولتاریای انقلابی و بخشی از خرده بورژوازی انجام داده است؛

۴- نیروهای ضد انقلابی بورژوازی و اشرافیت زمیندار که در فرایند سازمان یافتن هستند و

با همکاری مشهود حکومت موقت، خود را تحت لوای آن پنهان ساخته اند، هم اکنون حمله

به دموکراسی انقلابی را تدارک دیده اند؛ از این رو است که حکومت موقت فراخوان انتخابات

مجلس مؤسسان را به تعویق می اندازد، جلوی تسلیح عمومی مردم را می گیرد، با انتقال همه زمینها به دست مردم مخالفت می کند و شیوه مالکان را برای حل مساله ارضی به کار می گیرد، مانع اعمال ۸ ساعت کار در روز می شود، بر تبلیغ ضد انقلابی در ارتش (به وسیله گوجکف Guchkov (وزیر جنگ)) و شرکا) چشم می بندد، افسران ارشد را علیه سربازان دوباره بسیج میکند، و غیره؛

۵- حکومت موقت در حالی که حافظ منافع سرمایه داران و زمینداران است، از کوچکترین اقدام انقلابی اقتصادی (در مورد عرضه مواد غذایی و غیره) که با توجه به فاجعه قریب الوقوع اقتصادی مطلقاً و فوراً مورد نیاز است، عاجز است؛

۶- در عین حال این حکومت در حال حاضر متکی بر اعتماد، و در توافق مستقیم با شورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد است، که هنوز برای اکثریت کارگران و سربازان (یعنی دهقانان)، سازمانی است پیشرو؛

۷- هر قدمی که حکومت موقت چه در امور خارجی و چه داخلی بر می دارد، چشمهای پرولتاریای شهری و روستایی و نیمه پرولتاریا را بازتر کرده، لایه های مختلف خرده بورژوازی را وادار می کند که موضع سیاسی خاصی را بپذیرند.

با توجه به مراتب مذکور، کنفرانس مقرر می دارد که:

۱- فعالیت وسیعی جهت گسترش آگاهی طبقاتی پرولتاریا و اتحاد پرولتاریای شهری و روستایی علیه تردیدهای خرده بورژوازی باید صورت گیرد؛ چرا که تنها این نوع از فعالیت تفویض کامل قدرت دولتی را به شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان و یا سایر نهادهایی که بیانگر مستقیم خواستههای اکثریت مردم هستند (مثل ارگانهای محلی خودگردان، مجلس مؤسسان، و غیره) تضمین خواهد کرد.

۲- لازمه چنین کاری فعالیت همه جانبه درون شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان، افزایش تعداد آنها، تحکیم قدرت آنها، و یکپارچه کردن گروههای انترناسیونالیست حزب ما درون آنها است.

۳- برای تحکیم فوری دستاوردهای انقلاب، و گسترش آنها در سطح محلی ضروری است که ما با اتکا بر اکثریت قاطع مردم محل، به هر شکلی اعمال مستقل مردم را که به قصد تحقق آزادی، برکناری مقامات ضد انقلابی، اجرای اقدامات اقتصادی چون نظارت بر تولید و توزیع، و غیره صورت می گیرد، گسترش و سازمان داد و تقویت کرد.

۴- بحران سیاسی ۱۹ تا ۲۱ آوریل که به خاطر یادداشت حکومت موقت پدید آمد، نشان

داده است که حزب حکومتی کادتها، که در واقع امر به سازماندهی عناصر ضد انقلاب چه در ارتش و چه در کوچه و خیابان مشغول است، اکنون سعی در کشتن کارگران دارد. به سبب وضعیت ناپایداری که ناشی از قدرت دوگانه است، چنین کوششهایی به اجبار باز هم تکرار خواهد شد. لذا حزب پرولتاریا موظف است که با تمام نیرو به مردم تفهیم کند که پرولتاریا باید سازمان یابد، مسلح و کاملاً متفق با ارتش انقلابی باشد، و سیاست اعتماد به حکومت موقت باید خاتمه یابد تا از خطر قریب الوقوع کشتار جمعی پرولتاریا، آنچنان که در پاریس در طی روزهای ژوئن ۱۸۴۸ واقع شد، جلوگیری شود.

۱۵۶- درباره شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان

۲۹ آوریل ۱۹۱۷

پس از بحث درباره گزارشها و مکاتبه های رفقای که در شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان در نقاط مختلف روسیه فعالیت می کنند، کنفرانس اعلام می دارد که:

در بسیاری از نقاط کشور انقلاب از طریق تشکیل مستقل شوراهای توسط پرولتاریا و دهقانان، اخراج خودانگیخته مقامات قبلی، ایجاد میلیشیای دهقانی، انتقال همه زمینها به دهقانان، ایجاد کنترل کارگری در کارخانه ها، اعمال ۸ ساعت کار در روز، افزایش دستمزدها، ابقای جریان یکنواخت تولید، ایجاد نظارت کارگری بر توزیع غذا، و غیره به جلو می رود.

رشد انقلاب در همه نقاط کشور چه در عمق و چه در سطح، از یک سو به معنای رشد جنبش تفویض همه قدرت به شوراهای و کنترل تولید به وسیله خود کارگران و دهقانان است. و از سوی دیگر در خدمت تضمین پایه ریزی نیروهایی برای مرحله دوم انقلاب، در مقیاس سراسر روسیه است، که باید همه قدرت دولتی را به شوراهای و یا دیگر نهادهای بیانگر مستقیم خواسته های اکثریت مردم (مثل ارگانهای محلی خودگردان، مجلس مؤسسان، و غیره)، انتقال دهد.

در پایتخت ها و در بعضی از شهرهای بزرگ، وظیفه تفویض قدرت دولتی به شوراهای خصوصاً مشکل تر بوده و محتاج تدارک طولانی ویژه ای برای نیروهای پرولتری است. و این در جایی است که وسیع ترین نیروهای بورژوازی متمرکز شده است. و در همین جا است که

سیاستهای سازشکارانه با بورژوازی زنده تر به چشم می آید، سیاستهایی که غالباً مانع ابتکار انقلابی توده ها است و استقلال آنان را تضعیف می کند، سیاستهایی که خصوصاً برای اهمیت این شوراها به مثابه نهادهای رهبری در همه نقاط کشور خطرناک است.

از این رو حزب پرولتاریا موظف است که، از یک سو حمایت همه جانبه خود را از گسترش انقلاب در شکل فوق ابراز کند، و از سوی دیگر درون شوراها (از طریق ترویج و انتخاب مجدد نمایندگان) منظمأً برای پیروزی خط پرولتری مبارزه کند. حزب باید که تمامی مساعی و توجه خود را به توده کارگران و سربازان، تفکیک خط پرولتری از خط خرده بورژوایی، خط انترناسیونالیستی از خط دفاع طلبی، خط انقلابی از خط اپورتونیستی، و سازماندهی و تسلیح کارگران و تدارک نیروهای آنان برای مرحله بعدی انقلاب، معطوف کند.

کنفرانس بار دیگر اعلام می کند که آنچه ضروری است، فعالیت همه جانبه درون شوراها، نمایندگان کارگران و سربازان، افزایش تعداد آنها، تحکیم قدرت آنها، و یکپارچه کردن گروههای انترناسیونالیستی پرولتری حزب ما درون آنها است.

۱۵۸ - در باره مساله ملیتها

۲۹ آوریل ۱۹۱۷

سیاست ستم ملی، این میراث سلطنت و استبداد، توسط زمینداران، سرمایه داران و خرده بورژوازی نیز به منظور حفظ امتیازات طبقاتی و پراکنده ساختن کارگران ملیتهای مختلف، ابقا شده است. امپریالیسم معاصر با تشدید فشار برای انقیاد ملل ضعیف تر، عامل جدیدی است در تشدید ستم ملی.

از بین بردن این ستم ملی تا حدی که جامعه سرمایه داری اجازه می دهد تنها از طریق یک نظام جمهوری با دستگاه اداری کاملاً دموکراتیک که تساوی کامل همه ملیتها و زبانها را تضمین کند، ممکن است.

برای هر ملیتی که بخشی از روسیه را تشکیل می دهد باید داشتن حق جدایی آزادانه و تشکیل دولتی مستقل را به رسمیت شناخت. انکار چنین حقی و یا قصور در اقدام برای تضمین اجرای آن، در عمل معادل است با ابقای سیاست کشور گشایی یا الحاق طلبی. تنها

شناسایی حق ملل تا حد جدایی از طرف پرولتاریا، همبستگی کامل کارگران ملیتهای مختلف را تضمین می کند و روابط دوستانه واقعاً دموکراتیک بین این ملیتها را گسترش می دهد. برخوردی که اخیراً بین فنلاند و حکومت موقت روسیه پیش آمده است ((دیت Diet فنلاند تقاضای خودمختاری کامل کرد و حکومت روسیه آن را تا تشکیل مجلس مؤسسان به تعویق انداخت))، به طور مجسم نشان می دهد که انکار حق جدایی آزادانه، به ادامه مستقیم سیاست تزاریسم منجر می شود.

مساله حق ملیتها برای جدایی آزادانه نباید با این مساله که جدایی به صلاح این یا آن ملیت است یا نه، اشتباه شود. حزب پرولتاریا باید در هر مورد خاص با توجه به نیاز کلی توسعه اجتماعی و مبارزه طبقاتی پرولتاریا برای سوسیالیسم، به طور کاملاً مستقل تصمیم گیرد.

حزب خواستار خودمختاری وسیع ناحیه ای، حذف نظارت از بالا، لغو زبان رسمی اجباری، و تعیین مرزهای نواحی خودگردان و خودمختار توسط خود مردم محلی بر مبنای شرایط اقتصادی، شرایط زیستی، ترکیب ملی جمعیت و غیره است.

حزب پرولتاریا خودمختاری به اصطلاح «ملی - فرهنگی» یعنی احاله امور آموزشی و غیره از نظارت دولت به نوعی مجلس ملی، را با قاطعیت رد می کند. خودمختاری ملی - فرهنگی کارگرانی را که در یک منطقه زندگی می کنند و حتی در یک کارخانه کار میکنند، بنا بر اختلاف «فرهنگی ملی» شان مجازاً تفکیک می کند؛ یعنی بستگی بین کارگران و فرهنگ بورژوازی ملیتی خاص را تقویت می کند، در حالی که هدف سوسیال دموکراسی تقویت فرهنگ بین المللی پرولتاریای جهان است.

حزب خواستار گنجاندن ماده ای بنیادی در قانون اساسی است که مانع هرگونه امتیاز خاص برای یک ملیت و هرگونه تعهدی به حقوق اقلیتهای ملی باشد.

منافع طبقه کارگر ادغام کارگران تمامی ملیت های روسیه را در سازمانهای پرولتری یکپارچه - چون سازمانهای سیاسی، اتحادیه های کارگری، تعاونیهای آموزشی، و غیره - طلب می کند. تنها اینگونه ادغام کارگران ملیت های مختلف در سازمانهای واحد، پرولتاریا را قادر می سازد تا به مبارزه ای موفق علیه سرمایه بین المللی و ناسیونالیسم بورژوازی، دست زند.

* کنگره ششم حزب

۲۶ ژوئیه - ۳ اوت ۱۹۱۷

کنگره ششم حزب بلشویک از ۲۶ ژوئیه تا ۳ اوت ۱۹۱۷ در پتروگراد برگزار شد و ۱۵۷ نفر با حق رأی و ۱۱۰ نفر با نظر مشورتی به نمایندگی از ۲۴۰ هزار عضو حزب در آن حضور داشتند. لنین در کنگره حاضر نبود، ولی کار کنگره را از محل اختفای خود رهبری میکرد و تمامی قطعنامه های کنگره بر مبنای نظرات وی تنظیم شد. کنگره در ابتدای کار خود علیه حضور لنین در دادگاه رأی داد (سند ۱۸۲). در قطعنامه دیگری، پیشرفت مسالمت آمیز انقلاب و انتقال آرام قدرت به شوراها نفی شد و قیام مسلحانه در دستور کار قرار گرفت (سند ۱۷۶). در قطعنامه ﴿...﴾ در مورد روابط حزب با اتحادیه های کارگری نیز، نظریه منشویکی بیطرفی اتحادیه ها نفی شد و از اعضای حزب خواسته شد که در اتحادیه ها فراکسیون خود را تشکیل دهند (سند ۱۷۸). کنگره همچنین ﴿...﴾

۱۷۴ - اساسنامه حزب

۲ اوت ۱۹۱۷

- ۱- عضو حزب کسی است که برنامه آنرا پذیرفته متعلق به یکی از سازمانهای حزبی باشد، تسلیم تمامی تصمیمات حزب باشد و حق عضویت بپردازد.
- ۲- اعضای جدید به وسیله سازمانهای محلی حزب بر مبنای توصیه دو نفر از اعضا پذیرفته می شوند و در جلسه عمومی اعضای سازمان تأیید خواهند شد.
- ۳- حق عضویت که نباید کمتر از یک درصد دستمزد باشد توسط سازمانهای محلی تعیین میشود.
- اعضای جدید ورودیه ای به میزان ۵۰ کپک می پردازند.
- تبصره - خودداری هر یک از اعضای حزب از پرداخت حق عضویت بدون دلیل موجه به مدت سه ماه به معنی ترک سازمان است و مطلب باید به اطلاع نشست عمومی برسد.
- ۴- مساله اخراج اعضای حزب در جلسه عمومی سازمان محلی ای که او عضو آنست تصمیم گیری می شود. تصمیم نشست عمومی برای پژوهش به نهاد حزبی بالاتر، مثل کنفرانس

رایون و یا کنفرانس ابلاست (و در پایتخت به کنفرانس شهر) می تواند ارجاع شود.

کنگره حزب بالاترین نهاد پژوهشی است.

تبصره - خبر اخراج اعضای حزب در ارگانهای حزبی چاپ خواهد شد.

۵- کلیه سازمانهای حزبی طبق اصول سانترالیسم دموکراتیک بنا می شوند.

۶- کلیه سازمانها در مورد فعالیتهای داخلی، خودمختار هستند. هر سازمان حزبی حق دارد به نام خود نشریات حزبی انتشار دهد.

۷- سازمانهای حزبی در سطح رایون و ابلاست تشکیل می شود. کمیته های رایون و ابلاست در کنفرانسهای مربوطه انتخاب خواهد شد.

محدوده رایون و ابلاست در کنفرانس رایون تعیین می شود. در صورت سوء تفاهم بین محدوده ابلاست های مجاور مساله به کمیته مرکزی ارجاع خواهد شد.

۸- سازمانهای جدید حزبی توسط کمیته های ابلاست و در صورت غیاب آنها، توسط کمیته مرکزی تصویب می شود. کمیته مرکزی از حق نظارت بر هر یک از این مصوبات برخوردار است. تصویب هر یک از سازمانهای جدید به وسیله کمیته مرکزی در مطبوعات حزبی اعلام می شود.

۹- کلیه سازمانهای محلی باید که ده درصد از کلیه حق عضویت ها و درآمدهایی را که برای مقاصد خاصی نیست به کمیته مرکزی تخصیص دهند.

تبصره - در مناطقی که سازمانها به رایون و یا سازمانهای فرعی رایون تفکیک می شوند کمیته های رایون و یا کمیته های فرعی رایون به عنوان سازمان محلی منظور خواهد شد.

۱۰- کنگره بالاترین ارگان حزبی است. کنگره های عادی سالانه تشکیل می شود. کنگره های فوق العاده به وسیله کمیته مرکزی و یا به درخواست حداقل یک سوم از اعضای حاضر در آخرین کنگره حزب فرا خوانده می شود. برگزاری و دستور جلسه کنگره حزب حداقل یک ماه و نیم پیش از کنگره اعلام می شود. کنگره های فوق العاده در طی دو ماه تشکیل میشود. کنگره در صورتی معتبر است که نمایندگان حداقل نیمی از کلیه اعضای حزب در آن حضور داشته باشند.

ضوابط نمایندگی در کنگره حزب توسط کمیته مرکزی و با توافق کمیته های ابلاست و با در نظر گرفتن اصل نمایندگی نسبی معین می شود.

۱۱- اگر کمیته مرکزی در مدت مقرر در بند ۱۰ کنگره فوق العاده را فرا نخواند، سازمانهای خواستار آن از حق تشکیل کمیته تشکیلاتی که کلیه حقوق کمیته مرکزی را در

مورد برگزاری کنگره داراست، برخوردار خواهند بود.

۱۲- کنگره دارای اختیارات زیر است: الف) دریافت و تصویب گزارشهای کمیته مرکزی، کمیسیون رسیدگی و سایر نهادهای مرکزی؛ ب) تجدید نظر و اصلاح برنامه حزب؛ ج) تعیین خط تاکتیکی حزب در مورد مسایل جاری؛ د) انتخاب کمیته مرکزی و کمیسیون رسیدگی.

۱۳- کمیته مرکزی سالانه در کنگره انتخاب می شود. برای پرداختن به امور جاری، کمیته مرکزی تعداد معینی از اعضای خود را به منظور شرکت در کمیته فرعی کمیته مرکزی منصوب می کند.

نشستهای عمومی کمیته مرکزی حداقل هر دو ماه یکبار برگزار می شود. کمیته مرکزی نماینده حزب در روابطش با سایر احزاب و نهادها است، نهادهای مختلف حزبی را سازماندهی می کند و فعالیت آنها را رهبری می کند، هیات تحریریه ارگان مرکزی را که تحت نظارتش عمل می کند بر میگزیند، وظایف مهم حزب را به طور کلی سازماندهی و هدایت می کند، مسئول خزانه داری حزب است و به انتصاب پرسنل و تخصیص وجوه می پردازد.

اعضایی که کمیته مرکزی را ترک می کنند توسط نامزدهای منتخب کنگره و با ترتیب مقرر توسط کنگره جایگزین می شوند.

۱۴- کمیسیون رسیدگی سالانه در کنگره حزبی انتخاب می شود. این کمیسیون امور خزانه داری و مسئولیت های کمیته مرکزی را رسیدگی کرده گزارش خود را به کنگره بعدی تقدیم می کند.

۱۷۷- درباره وضعیت اقتصادی

۳ اوت ۱۹۱۷

...

۵- تنها راه رهایی از این وضعیت بحرانی، اتمام جنگ و سازمان دادن تولید نه به خاطر جنگ، بلکه به منظور ترمیم هر آنچه که نابود شده است، و نه به نفع مشتی انحصارگر مالی بلکه در جهت منافع کارگران و فقیرترین دهقانان است.

تنظیم تولید در روسیه به این شیوه تنها به وسیله سازمانی میسر است که در دست پرولتاریا و نیمه پرولتاریا باشد، و نیز مستلزم تفویض قدرت دولتی به آنها است. در این مورد

اجرای بعضی از اقدامات قاطع انقلابی ضروری است.

۶- تنظیم برنامه ریزی شده تولید و توزیع مستلزم دخالت در تولید است و نیز مستلزم ملی کردن و تمرکز نهادهای بانکی و ملی کردن بعضی از مؤسسه های بزرگ (مانند پالایشگاههای نفت، معادن ذغال سنگ، کارخانه های قند، کارخانه های ذوب فلز و ترابری).

۷- مبادله مناسب کالاها بین شهر و روستا باید بر مبنای تعاونی ها و کمیته های مواد غذایی به منظور عرضه محصولات ضروری کشاورزی به شهرها و عرضه محصولات صنعتی، وسایل و دستگاههای کشاورزی و غیره به روستاها باشد.

۸- کنترل کارگری واقعی باید برقرار شود و اکثریت اعضا در ارگانهای کنترل باید نمایندگان شوراهای نمایندگان کارگران، اتحادیه های کارگری و کمیته های کارخانه و کارگاه باشند. کارمندان فنی و علمی نیز باید در ارگانهای کنترل دخالت داشته باشند.

۹- کنترل کارگری باید تدریجاً از طریق اقدامات تکمیلی به تنظیم کامل تولید بیانجامد.

۱۰- اولین اقدامات کنترل کارگری ضرورتاً باید الغای اسرار بازرگانی را شامل شود - یعنی دفاتر تجار، صاحبان صنایع و بانکداران باید قابل بازرسی باشد. پنهان کردن اسناد باید بر اساس قوانین جزایی قابل مجازات اعلام شود. موجودی مؤسسه ها در فواصل معین صورت برداری شده، اطلاعات مربوط به میزان آن و مؤسسه هایی که آن را در اختیار دارند در اختیار عموم قرار گیرد.

به خاطر مبارزه علیه تعطیل پنهان و آشکار کارخانه ها باید قانونی به منظور منع آن و نیز کاهش تولید بدون مجوز شوراهای نمایندگان کارگران، اتحادیه های کارگری، و ((شورای)) مرکزی کمیته های کارخانه و کارگاه، وضع شود.

۱۱- اقدامات زیر جهت مبارزه با ورشکستگی مالی ضروری است: توقف فوری چاپ اسکناس؛ امتناع از پرداخت قروض دولت چه داخلی و چه خارجی، با توجه به ملاحظات مقتضی به نفع بستانکاران خرده پا؛ تغییر کامل سیستم مالیاتی از طریق وضع مالیات بر اموال، مالیات بر افزوده اموال، مالیات غیر مستقیم سنگین بر کالاهای لوکس؛ اصلاح مالیات بر درآمد و ارزیابی درآمدهای اموال با نظارت مؤثر عمومی و محلی.

۱۲- بهره وری باید از طریق توزیع مناسب نیروی کار افزایش یابد: کارگران باید از مؤسسه ها و شاخه های صنایع تولیدی جنگی به مؤسسه ها و شاخه هایی که در جهت نیازهای کشور فعالیت می کنند، انتقال یابند.

۱۳- هنگامی که همه این شرایط واقع شود و قدرت دولتی به تصرف پرولتاریا و

نیمه پرولتاریا در آید، وضع قانون کار اجباری همگانی به منظور تضمین توزیع صحیح کار و افزایش تولید، ضروری خواهد بود. و تنها در این شرایط قانون کار اجباری همگانی افزایش وسیع بهره وری را میسر خواهد کرد و تبدیل به تکنیک جدیدی برای انقیاد کارگران نخواهد شد.

۱۴- سازمانهای کارگران (اتحادیه های کارگری، کمیته های کارخانه و کارگاه، شورای نمایندگان کارگران) باید موظف باشند که اعمال چنین معیارهایی را در سطح محلی تشویق کنند، خود نیز در این جهت پیشگام شوند و اعمال کلی چنین اقداماتی را در مقیاس ملی تسریع بخشند.

۱۵- اجرا و تحقق همه این اقدامات تنها هنگامی ممکن است که کارگران با حمایت فقیرترین بخشهای دهقانی در جهت اعمال آن و برای مبارزه و دفع قطعی سیاستهای رژیم بورژوا امپریالیستی و مصایب ضد انقلابی آن، حتی الامکان تلاش کنند.

۱۷۸- درباره حزب و جنبش اتحادیه های کارگری

۱۳ اوت ۱۹۱۷

... جنبش کارگری سوسیالیستی بین المللی، برمبنای تجارب چندین ساله خود پیش از جنگ جهانی، به این نتیجه رسید که بی طرفی واقعی اتحادیه های کارگری در مبارزه های سیاسی در وهله اول غیر ممکن است، و در مرحله دوم، حتی اگر میسر باشد، برای آرمان سوسیالیسم شدیداً زیانبار است...

کنگره سراسری حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه از همه اعضای فعال خود در سازمانهای اتحادیه های کارگری خواستار اجرای مفاد زیر است:

- ۱- بسیج و اتحاد تمامی طبقه کارگر در اتحادیه های کارگری از هر طریق.
- ۲- حمایت از اصل نمایندگی دوجانبه در اتحادیه های کارگری و حزب؛ اجرای این اصل در اتحادیه هایی که هم اکنون نظرات انترناسیونالیستی انقلابی را پذیرفته اند و اعمال آن را در سایر اتحادیه ها از طریق فعالیت منظم جناحهایی از حزب که در تماس نزدیک با این سازمانها عمل می کنند، تدارک دیده اند.
- ۳- ترغیب اتحادیه ها به بازسازی تشکیلات بین المللی اتحادیه های کارگری که تنها

شامل اتحادیه هایی خواهد بود که تا به حال از حمایت از این جنگ امپریالیستی خودداری کرده اند و از مبارزه طبقاتی دست نکشیده اند.

۴- کنگره مصرانه از کلیه اعضای حزب می خواهد که وارد اتحادیه های کارگری شوند، و در عین حال همه کارگران آگاه در جنبش اتحادیه های کارگری را به عضویت در حزب پرولتاریا و فعالیت در سازمانهای حزبی فرا می خواند.

۱۸۲- در باره خود داری رفیق لنین از حضور در دادگاه

۲۷ ژوئیه ۱۹۱۷

نظر به اینکه روشهای ایدایی پلیس و اوخرانا (Okhrana) اکنون در عمل و نیز در رفتار دفتر دادستانی یادآور سنت های رژیم شچگلوویتف (Shcheglovitov) ((وزیر دادگستری ارتجاعی ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۶)) است، همانگونه که کمیته اجرایی مرکزی شورای نمایندگان کارگران و سربازان پذیرفته است، و به علاوه، با اعتقاد بر اینکه در این شرایط مطلقاً هیچ تضمینی نه تنها برای بی طرفی محاکمات قضایی بلکه حتی برای امنیت اولیه اشخاصی که به دادگاه احضار می شوند، وجود ندارد؛ لذا به این وسیله کنگره حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه شدیداً علیه تعقیب موهن رهبران پرولتاریا توسط دادستانی و جاسوسان پلیس اعتراض می کند و با فرستادن دروهای گرم خود به رفقا لنین، زینوویف، تروتسکی و دیگران امیدوار است که بار دیگر آنان را در صفوف حزب پرولتاریای انقلابی باز یابد.

*** تدارک کمیته مرکزی برای انقلاب اکتبر**

۳۱ اوت - ۲۴ اکتبر ۱۹۱۷

اسناد این بخش منتخبی از تصمیمات ۱۹ نشست کمیته مرکزی حزب بلشویک در فاصله ۳۱ اوت ۱۹۱۷ تا پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر است. رویدادهای این دوره کوتاه آنچنان پراهمیت و گوناگون می باشد که در این مختصر فرصت توضیح و تحلیل هیچیک از آنها

نیست. از این رو ما به خوانندگان توصیه می‌کنیم که برای درک بهتر اسناد این بخش به آثار لنین در این دوره و کتب تاریخ انقلاب اکتبر رجوع کنند. ما در زیر تنها به بعضی از این اسناد به طور گذرا اشاراتی خواهیم کرد. ضمناً باید یادآوری کرد که لنین در این دوره حساس در اغلب موارد با مخالفت اکثریت اعضای کمیته مرکزی روبرو بود و می‌بایست پس از مبارزات شدید و حتی گاهی با تهدید به استعفا نظرات خود را پیش برد.

سند ۱۹۴ حکومت موقت را مسئول شورش کورنیلف دانسته و خواستار تشکیل حکومت انقلابی پرولتاریا و دهقانان می‌شود. این قطعنامه توسط شورای پتروگراد نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. این تغییر مهم در موضع‌گیری شوراها به سمت بلشویکها، باعث شد که لنین بار دیگر شعار «همه قدرت به شوراها» و تدارک قیام مسلحانه را مطرح کند.

در ۱۵ سپتامبر، ﴿...﴾

۱۹۴- درباره قدرت دولتی

۳۱ اوت ۱۹۱۷

در مقابله با شورش ضد انقلابی ژنرال کورنیلف که به وسیله احزاب و گروههایی که نمایندگانشان را می‌توان در حکومت موقت یافت (و در رأس همه حزب کادت) تدارک و حمایت شده بود، ((کمیته مرکزی)) خود را موظف می‌بیند تا اعلام دارد که از این به بعد هرگونه تردید از سازمان قدرت دولتی می‌باید به نحوی قاطع زدوده شود. نه تنها نمایندگان حزب کادت که آشکارا در شورش دخالت داشت و نمایندگان ثروتمندان بطور کل می‌باید از قدرت دولتی برکنار شوند، بلکه باید تغییراتی ریشه‌ای نیز در کل این مشی مسالمت‌آمیز غیر مسئولانه‌ای که باعث شد فرماندهی عالی و دستگاه قدرت دولتی مبدل به محل و ابزاری برای توطئه علیه انقلاب شود، صورت گیرد.

نه قدرت انحصاری دولت موقت و نه بی‌مسئولیتی آن بیش از این می‌تواند مورد اغماض قرار گیرد. تنها راه نجات نیز ایجاد رژیم است متشکل از نمایندگان پرولتاریای انقلابی و دهقانان که بر مبنای مواد زیر عمل خواهد کرد:

۱- اعلام جمهوری دموکراتیک.

۲- الغای فوری مالکیت زمینهای اشراف زمیندار بدون غرامت، و انتقال اداره این زمینها

به کمیته های دهقانی تا هنگامیکه مجلس مؤسسان در این مورد تصمیم گیری کند، و اطمینان از اینکه سرمایه و ابزار در اختیار دهقانان فقیر قرار خواهد گرفت.

۳- برقراری کنترل کارگری در سطح کشور بر تولید و توزیع. ملی کردن مهمترین شاخه های صنعت از قبیل پالایشگاههای نفت، معادن زغال سنگ و کارخانه های ذوب فلز؛ وضع مالیات بر سرمایه های بزرگ و مایملک ارضی بدون هیچ گونه گذشت؛ و مصادره منافع ناشی از جنگ به منظور نجات کشور از سقوط اقتصادی.

۴- کان لم یکن اعلام کردن معاهده های مخفی و پیشنهاد فوری صلحی دموکراتیک و عمومی به مردم کشورهای متخاصم.

مراتب زیر باید بعنوان اقدامات فوری اعلام شود:

۱- توقف تمامی سرکوب هایی که متوجه طبقه کارگر و سازمانهای آن است. الغای فوری مجازات مرگ در جبهه و اعاده همه سازمانهای دموکراتیک در ارتش و آزادی کامل تبلیغ در آنها. تصفیه کلیه فرماندهان ضد انقلابی در ارتش.

۲- انتخاب کمیسارها و مقام های دیگر توسط سازمانهای محلی.

۳- اعمال واقعی حق خلقهای روسیه در مورد تعیین سرنوشت، و در اولین وهله ارضای خواسته های فنلاند و اوکراین.

۴- انحلال شورای دولتی و دوامی دولتی و تشکیل فوری مجلس مؤسسان.

۵- الغای تمامی امتیازهای طبقاتی (برای اشرافیت و غیره)، و تساوی کامل همه

شهروندان.

۱۹۶- ((درباره هیات رئیسه جدید برای شورای

نمایندگان کارگران و سربازان))

۶ سپتامبر ۱۹۱۷

بنا بر تصمیم کمیته مرکزی، هیات رئیسه ((شورای پتروگراد که در آن زمان زیر نفوذ منشویکها و اس ارها قرار داشت)) باید به صورت ائتلافی و بر مبنای متناسب تعداد اعضا باشد، و از این جهت هیات رئیسه جدید شامل هفت تن از نمایندگان بلشویکها به علاوه هفت تن افراد پیشنهاد شده توسط منشویکها و اس ارها خواهد بود. ((در ۲۵ سپتامبر هیات

رئیس‌ه جدیدی شامل ۴ بلشویک، ۲ اس ار و ۱ منشویک ایجاد شد).

۲۰۲_ ((درباره شورای نمایندگان کارگران و سربازان))

۲۴ سپتامبر ۱۹۱۷

مقرر شد که رایکوف برای فعالیت در شورا به پتروگراد منتقل شود. همچنین چندین رفیق دیگر نیز برای این فعالیت در نظر گرفته شده اند، از جمله ولودارسکی (Volodarsky). تروتسکی باید به ریاست شورا گمارده شود و رایکوف نیز به هیات رئیس‌ه آورده شود. ... در مورد کنگره دوم شوراهای ((که کمیته اجرایی مرکزی روز قبل اعلام کرده بود تا قبل از ۲۰ اکتبر جلسه نخواهد داشت))، مقرر شد که در همه جا در شوراهای مبارزه وسیعی برای درخواست تشکیل فوری کنگره صورت گیرد. سوردلف به کمیسیون برپا کننده کنگره اعزام میشود و یورنیف (Yurenev) معاونش خواهد بود. فراخوان کنگره های منطقه و ابلاست مطلوب است.

۲۱۴_ ((درباره کمیته اجرایی شورای پتروگراد))

۲۱ اکتبر ۱۹۱۷

رفیق دزرژینسکی گزارشی داد درباره نابسامانی کلی در کمیته اجرایی ((شورای پتروگراد، که پس از ۲۵ سپتامبر شامل ۲۲ بلشویک، ۱۶ اس ار و ۶ منشویک بود))، و پیشنهاد می کند که همه اعضای بلشویک کمیته اجرایی ملزم به فعالیت بی وقفه در آن شوند و در غیر این صورت آنرا ترک کنند. مقرر شد که افراد زیر در فعالیت کمیته اجرایی وارد شوند: رفقا ولودارسکی، یورنیف، میلیوتین، اسکالوف (Skalof)، پاخامف (Pakhamov)، زورین، دزرژینسکی، استالین، یافه، لاشویچ (Lashevich).

۲۱۵ - ((بحث درباره کنگره دوم شوراهها))

۲۱ اکتبر ۱۹۱۷

رفیق سوکولنیکف پیشنهاد می کند که کنگره دوم ((که قرار بود در ۲۰ اکتبر تشکیل شود ولی در ۱۷ اکتبر به مدت ۵ روز به تعویق افتاد))، قطعاً در بیست و پنجم افتتاح شود.

رفیق تروتسکی دوباره در باره مساله هیات رئیسه اظهار می دارد که روش معمول در کنگره قبلی برای تعیین هیات رئیسه به زیان ما بوده است، و پیشنهاد می کند که هیات رئیسه بر مبنای یک عضو برای هر ۱۰۰ نماینده تعیین شود.

رفیق سوردلف عقیده دارد که تشکیل جلسه مقدماتی فراکسیون ((بلشویک)) ضرورت دارد و مستلزم عملکرد ویژه ای است. و برای این عملکرد سوردلف و میلیوتین را نامزد می کند. ایلیچ ((لنین)) باید در تهیه تزه‌های گزارشهای ((این جلسه)) دخالت داشته باشد.

رفیق استالین پیشنهاد می کند که یک رفیق به مسکو فرستاده شده و اعزام فوری نمایندگان مسکو درخواست شود. به علاوه او یک سلسله مسایل ضروری مربوط به تزه‌ها را مطرح می کند:

درباره زمین، جنگ، قدرت دولتی - به رفیق لنین محول شود؛

درباره کنترل کارگری ((در صنایع)) - به رفیق میلیوتین؛

در باره مساله ملیتها - به رفیق استالین؛

در باره وضعیت جاری - به رفیق تروتسکی؛

رفیق میلیوتین پیشنهاد می کند که گزارش دیگری در باره آیین نامه روند کنگره و تنظیم آن به رفیق سوردلف محول شود.

همه پیشنهادهای فوق تصویب می شود.

* اقتباس شده از:

«قطعنامه ها و تصمیمات حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه ۱۹۱۷-۱۸۹۸».

* ترجمه:

«سازمان چریکهای فدائی خلق ایران»، «چاپ اول دی ۱۳۶۳».